

عشق برتر: راههای ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام در

کودکان و نوجوانان

نویسنده: جواد محدثی

پیش گفتار

به گواهی تجربه و تاریخ ، آنان که وابستگی های عاطفی و قلبی به دین و مظاهر مکتب و مذهب داشته اند و علاقه مندان اهل بیت علیهم السلام و پای بندان به سنن مذهبی و شعائر دینی ، کمتر در معرض انحراف ، گناه ، مفسد و آلودگی های اخلاقی بوده اند ، یا دیرتر به مفسد و بدیها کشیده شده اند .

عواطف پاک و مقدس نسبت به معصومین و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله عامل ثبات قدم بیشتر در راه دینداری است و عشق و محبت به اهل بیت علیهم السلام ، تاحد زیادی بیمه کننده افراد در برابر گناه و فساد است ، به شرط آنکه این محبت و دوستی ، عمیق ، ریشه دار و از روی بصیرت و معرفت باشد و باهدایت صحیح ، انسان را در مسیر عمل قرار دهد .

از سوی دیگر جوانان و نوجوانان اگر پایه های اعتقادی استوار و تربیت های دینی درست نداشته باشند ، آسیب پذیرترین قشر جامعه در مقابل امواج گناه و فساد اخلاقی و اجتماعی به شمار می آیند .

دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی نیز ، برنامه و بودجه برای «تهاجم فرهنگی اختصاص داده اند و با همه امکانات و ابزار و شیوه ها در پی جداساختن جوانان جامعه از جریان مقدس اسلام و انقلاب در میهن اسلامی ما و در سطح جهانند .

امروز دیگر تردید در فعالیت های برنامه ریزی شده دشمن برای هجوم به فرهنگ دینی و ارزش های اخلاقی و انقلابی ما ، نشانه بی خبری و غفلت و سادگی است . معرفی الگوهای ناسالم به جوانان و کشاندن آنان به وادی عشقهای سرراهی و نمونه های مبتذل و اشباع گناه آلود و انحرافی این نیاز و خلا روحی ، یکی از همین دامها و برنامه هاست .

با این حساب ، برای صیانت جوانان عزیز از این آفتها و توطئه‌ها ، ازسنین کودکی و نوجوانی باید برنامه داشت و هوشیارانه و دقیق ، در جهت تغذیه فکری و روحی و عاطفی و هدایت آنان در بستر «صراط مستقیم و بر اساس «قرآن و عترت تلاش کرد .

ایجاد محبت اهل بیت علیهم‌السلام در دل کودکان و نوجوانان و گره زدن اندیشه و عاطفه و محبت آنان با این خاندان پاک و نمونه ، می‌تواند یکی از این شیوه‌ها و برنامه‌ها به شمار آید . برای آنان که در پی «مهرورزی و دل‌باختن و محبوب گزیدن و دوست داشتن‌اند ، اهل‌بیت پیامبر ، بهترین و برترین محبوب و معشوق‌اند و عشق به این خاندان ، ارزنده‌ترین و ماندگارترین عشقهاست . به قول شاعر صاحب‌دل شیراز : سعدی⁽¹⁾

، اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد

ولی . . . چگونه و با چه روشی می‌توان نسل امروز را محب و دوستدار اهل‌بیت بار آورد و بذر و نهال این «عشق مقدس و برتر» را در مزرعه روح و جان‌شان کاشت ؟

پدران ، مادران ، اولیا و مربیان ، نویسندگان و هنرمندان ، برنامه‌سازان صدا و سیما ، نهادهای فرهنگی و هنری ، سیاستگذاران مراکز تبلیغی و تربیتی و همه کسانی که به نحوی در شکل دادن به شخصیت کودکان و نوجوانان ، مؤثر و سهیم‌اند؛ در این مورد ، هم مسؤولند ، هم در پی یافتن راهها و شیوه‌های عملی و کاربردی برای «ایجاد محبت اهل بیت و «تربیت دینی در دل و اندیشه نسل معاصرند .

نگارنده این اثر ، بی آنکه ادعایی داشته باشد ، به عنوان یک گام کوچک و ابتدایی به تدوین این جزوه پرداخته و نکته‌هایی را در این زمینه مطرح ساخته است ، به این امید که این «موضوع ، با پیگیری صاحب‌نظران و کاربیشتر و روشهای علمی‌تر و عینی‌تر ، هر چه غنی‌تر شود و کمال یابد و استفاده بیشتری به اهل مطالعه و پژوهش برساند .

قم - جواد محدثی

بهار 1378 ش

جایگاه محبت در دین

گرچه استفاده از قدرت ، می تواند ما را به هدف برساند ، ولی بهره گیری از «محبت و عشق و ایجاد جاذبه و کشش قلبی ، اهرمی قوی تر است و انگیزه های ماندگارتری ایجاد می کند . در روایات نیز آمده است : «محبت و دوست داشتن برتر از ترس و بیم است .» (2) .

نوع رابطه ما با اهل بیت علیهم السلام ، بر چه مبنایی است و بر چه مبنایی باید باشد ؟

آیا مثل رابطه ملت و حاکم و مردم و رهبر است ؟

یا رابطه علمی میان شاگرد و استاد ؟

یا رابطه «محبت و مودت و پیوند قلبی و درونی است ، که هم کارسازتر ، و

هم بادوامتر و ریشه دارتر است ؟

خلل پذیر بود هر بنا که می بینی مگر بنای محبت که خالی از خلل است

قرآن کریم روی این رابطه تاکید دارد و «مودت اهل بیت علیهم السلام را اجر رسالت

پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می کند :

«قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی (3) .

بگو : من بر انجام رسالت ، از شما مزدی نمی خواهم ، مگر دوستی و محبت

درباره نزدیکانم .

در روایات متعددی «مودة فی القربی به محبت و مودت اهل بیت و خاندان

پیامبر تفسیر شده است . بالاترین محبت هم محبتی است که خدایه آن سفارش

کرده باشد و صاحبان این محبت را نیز دوست بدارد .

در روایات هم ، مودت و ولایت ، به عنوان یک «فرض الهی و ملاک قبول اعمال و عبادات به حساب آمده است . (4)

تولای شما فرض خدایی است قبول و رد آن مرز جدایی است
هر آن کس را که در دین رسول است ولایت ، مهر و امضای قبول است
دیانت‌بی شما کامل نگردد بجز با عشقتان دل ، دل نگردد (5)
اهل سنت هم طبق احادیثشان این نکته را قبول دارند و در شعر شافعی چنین آمده است :

یا اهل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن انزله
کفاکم من عظیم القدر انکم من لم یصل علیکم لا صلاة له (6)
ای خاندان پیامبر خدا ! حب شما فریضه‌ای است خدایی که خداوند در قرآن آورده است ، برای افتخار بزرگ شما همین بس که هر کس (در نماز) بر شما صلوات و درود نفرستد ، نمازش درست نیست و نماز ندارد .

از آنجا که این پیوند درونی ، هم بیمه کننده دوستدار اهل بیت در مقابل انحرافها و لغزشهاست ، هم هدایتگر امت به سرچشمه زلال دین است ، رسول خدا ﷺ فرموده است که مردم را دوستدار اهل بیت بار آورید و بر مبنای این محبت ، تربیت کنید :

«ادبوا اولادکم علی حبی و حب اهل بیتی و القرآن . (7)

فرزندانتان را با محبت من و محبت خاندان من و محبت قرآن تربیت و تادیب کنید .

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است :

«رحم الله عبدا حببنا الی الناس ولم یبغضنا الیهم . (8)

خدا رحمت کند کسی را که ما را محبوب مردم سازد و ما را در نظر مردم مبعوض و منفور نسازد .

نیز از سخنان آن حضرت در توصیه به شیعه است :

«احبونا الی الناس و لا تبغضونا الیهم ، جروا الینا کل مودة وادفعوا عنا کل قبیح . (9)»

ما را در نظر مردم محبوب سازید و در نظرشان ما را منفور نگردانید ، هر مودت و دوستی را به طرف ما بکشید و هر زشتی را از ما دور سازید . هر چه محبت و دل‌باختگی و ارتباط قلبی بیشتر باشد ، تبعیت و همرنگی و همراهی و همدلی هم بیشتر خواهد شد . نقش عشق و محبت در ایجاد همسانی و همفکری و همراهی و هم‌سوئی بسیار عظیم است و مردم پیوسته از چهره‌های محبوبشان الگو و سرمشق می‌گیرند . ایمان عاطفی به رهبری حتی در اطاعت سیاسی و اجتماعی هم تاثیر می‌گذارد و زمینه‌ساز تبعیتی عاشقانه می‌شود ، نه صرفاً تشکیلاتی و رسمی .

از این رو ، ارتباط شیعه با اهل بیت را علاوه بر جنبه‌های اعتقادی بر مبنای علمی و احادیث و منابع دینی ، باید عاطفی و روحی و احساسی قرارداد و «آگاهی عقلی را با «عاطفه قلبی در هم آمیخت و عقل و عشق را با هم پیوند زد . همچنانکه در آموزش هم ، اگر معلم ، بیش از رابطه علمی ، رابطه قلبی و زمزمه محبت و مودت باشد «جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را» ، در ارتباطهای ولایی با ائمه نیز دل ، قلمرو فرمانروایی آنان می‌گردد .

در این صورت ، میان «شناخت ، «عشق و «پیروی ، رابطه‌ای مستحکم پدید می‌آید و «معرفت ، محبت می‌آورد و محبت ، «ولایت و تبعیت . در حدیثی

رسول اکرم ﷺ به این سه عنصر و نقش آن در سعادت انسان اشاره فرموده است :

«معرفة آل محمد برائة من النار و حب آل محمد جواز على الصراط والولاية لآل محمد امان من العذاب . (10) .

معرفت و شناخت آل محمد ، برائت و نجات از دوزخ است و «محبت آل محمد ، جواز عبور از صراط است و «ولایت نسبت به آل محمد ، امان از عذاب است .

این رابطه را می توان چنین ترسیم کرد :

معرفت محبت اطاعت .

در حدیث امام صادق علیه السلام نیز آمده است :

«الحب فرع المعرفة . (11) .

محبت ، فرع و شاخه شناخت است .

در سیره پیامبر اکرم نیز آمده است که هر کس با او از روی معرفت و شناخت ، رفاقت و نشست و برخاست می کرد ، محبت او در دلش می افتاد . (12) .

این نشان دهنده تاثیر معرفت در پیدایش محبت است .

ایجاد محبت و عشق را باید از مراحل ساده و بسیط و عاطفی شروع کرد و در مراحل بعدی با بصیرت و ناخت بیشتر ، آن را تعمیق داد ، تا آنجاکه «حب ، جزء سرشت انسان گردد و «محبت اهل بیت ، جزء دین یک مسلمان و شیعه درآید ، امام صادق علیه السلام فرمود : «هل الدین الاالحب ؟ (13) آیادین جز محبت است ؟ و امام باقر علیه السلام فرمود :

«الدین هوالحب والحب هوالدین . (14) .

دین همان محبت است و محبت همان دین است .

روشن است که محبت راستین به عمل و تبعیت هم می‌انجامد و از عصیان و تخلف دور می‌سازد. (15).

برای این کار، باید زمینه‌های روحی و آمادگی‌های قلبی افراد را در نظر گرفت، و گرنه محبت اهل بیت به دل‌های غیر مستعد و غیر آماده نمی‌چسبد، آنچنان که کاشی به دیوار کاهگلی نمی‌چسبد. گاهی هم بایدموانع را زدود، همچنانکه در لحیم‌کاری، ابتدا با سنباده و مواد دیگر، چربیها، آلودگیها و جرمها را از محل می‌زدایند، تا لحیم، بچسبد و جوش بخورد.

حقوق اهل بیت علیه السلام و وظایف ما

غیر از مودت اهل بیت که در قرآن هم آمده است ، در روایات فراوانی حقوق آنان بر عهده ما و وظیفه ما در برابر اهل بیت بیان شده است و ابواب متعددی از احادیث درباره ولایت ، محبت ، مودت و نصرت اهل بیت وجود دارد ⁽¹⁶⁾ که فهرستی از آن حقوق و وظایف ، چنین است :

1 - مودت و محبت

در زیارت جامعه است :

«بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة و لكم المودة الواجبة .

به سبب ولایت شما طاعت واجب پذیرفته می شود و «مودت واجب برای شماست .

پیامبر خدا ﷺ در حدیثی مفصل ، خطاب به سلمان و ابوذر و مقداد از جمله فرموده است :

«ان مودة اهل بيتي مفروضة واجبة على كل مؤمن ومؤمنة . . .» (17)

مودت اهل بیت من بر هر مرد و زن با ایمان ، فرض و واجب است .

امام علی عليه السلام فرمود :

«عليكم بحب آل نبيكم فانه حق الله عليكم» (18)

بر شما باد محبت دودمان پیامبرتان ، که این حق خدا بر گردن شماست .

2 - تمسک و چنگ زدن به آستان آنان

پیامبر خدا ﷺ فرمود :

«من تمسک بعترتی من بعدی کان من الفائزین .⁽¹⁹⁾ .

هر کس پس از من به خاندانم چنگ بزند و تمسک جوید ، از رستگاران خواهد بود .

3 - ولایت و پذیرش رهبری آنان

علی عليه السلام فرمود :

«لنا علی الناس حق الطاعة والولاية .⁽²⁰⁾ .

برای ما بر عهده مردم حق اطاعت و ولایت است .

4 - مقدم داشتن آنان بر دیگران

رسول خدا ﷺ فرمود :

«اهل بيتى نجوم لاهل الارض ، فلا تتقدموهم و قدموهم فهم الولاية بعدى ⁽²¹⁾ .
خاندان من ستارگانی برای اهل زمین اند ، پس از آنان جلو نیفتید ، بلکه آنان
را جلو اندازید ، که آنان پس از من والیان اند .

5 - اقتدا به آنان در امور دین و دنیا

«اهل بيتى يفرقون بين الحق والباطل و هم الائمة الذين يقتدى بهم ⁽²²⁾ .
اهل بيت من میان حق و باطل را جدا می کنند و آنان پیشوایانی هستند که باید
به آنان اقتدا کرد .

6 - اکرام و احترام نسبت به آنان

«ایها الناس! عظموا اهل بیتی فی حیاتی و من بعدی واکرموهم و فضلوهم .⁽²³⁾

ای مردم ، اهل بیت مرا بزرگ بدارید ، چه در حال حیاتشان چه پس از من و آنان را احترام و اکرام کنید و آنان را بر دیگران برتری دهید .

7 - ادای خمس اموال و درآمدها

آیه 41 انفال ، خمس را برای خدا و رسول و ذوی القربی و . . . می داند .

8 - نیکی کردن و پیوند داشتن با آنان و ذریه ایشان

امام صادق علیه السلام :

«من لم یقدر علی صلتننا فلیصل صالحی موالینا یکتب له ثواب صلتننا» .⁽²⁴⁾
هر کس نتواند با ما صله و پیوند و نیکی داشته باشد با دوستان صالح ما پیوند داشته باشد ، تا برای او پاداش ارتباط با ما و نیکی به ما نوشته شود .

9 - صلوات و درود فرستادن بر آنان

پیامبر خدا ﷺ فرمود :

«من صلی صلوة لم یصل فیها علی ولا علی اهل بیتی لم تقبل منه .⁽²⁵⁾ .
هرکس نمازی بخواند که در آن بر من و اهل بیتم صلوات نفرستد ، نمازش از او پذیرفته نیست .

10 - یاد کردن آنان و فضایلشان

امام صادق علیه السلام فرمود :

«خیر الناس من بعدنا من ذاکر امرنا و دعا الی ذکرنا» .⁽²⁶⁾ .
بهترین مردم پس از ما کسی است که کار و فرهنگ ما را یاد کند و مردم را به یاد ما فراخواند .

امام باقر علیه السلام فرمود :

«ان ذکرنا من ذکر الله و ذکر عدونا من ذکر الشیطان» .⁽²⁷⁾ .
یادکرد ما از یاد خداست و یاد دشمن ما ، از یاد دشمن است .

11 - ذکر مصائب و مظلومیت آنان

امام صادق علیه السلام (درباره مجالسی به یاد عزای اهل بیت) :
«ان تلك المجالس احبها فاحيوا امرنا ، انه من ذكرنا او ذكرنا عنده فخرج من عينيه مثل جناح الذباب غفر الله له ذنوبه . (28)»
این مجالس را دوست می‌دارم ، پس امر و فکر ما را زنده بدارید ، همانا کسی که از ما یاد کند یا ما نزد او یاد شویم و از چشمانش به اندازه بال‌مگسی اشک آید ، گناهانش آمرزیده می‌شود .

12 - رفتن به زیارت قبور مطهرشان

امام رضا علیه السلام فرمود :
«ان لكل امام عهدا في عنق اوليائه و شيعته و ان من تمام الوفاء بالعهد زيارة قبورهم . (29)»
برای هر امامی عهد و پیمانی بر گردن دوستان و پیروان اوست و از نشانه‌های وفای کامل به این عهد و پیمان ، زیارت قبر امامان است .
نقش اجتماعی و تربیتی زیارت ، آن قدر بسیار است که نشانه کمال حج و زیارت خانه خدا به‌شمار رفته است و احادیث فراوانی به زیارت اهل بیت و امامان معصوم ، چه در حال حیاتشان و چه پس از وفات ، سفارش کرده‌است . (30)

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا مردم فرمان یافته‌اند که سراغ این سنگها (ی‌کعبه) آمده، آنها را طواف کنند، سپس نزد ما آیند و ولایت و همبستگی خویش را به ما خبر دهند و یاری خود را بر ما عرضه کنند. (31).

این بعد اجتماعی و سیاسی حج را در زمینه «پیوند یاری و «ارتباط ولایی با امامان حق نشان می‌دهد. پادشاهای عظیمی که برای زیارت‌روایت‌شده، بویژه زیارت کربلا و خراسان، زیارت اربعین و عاشورا، زیارت‌از دور و نزدیک، نشان اهمیت مساله است. زیارت، علاوه بر آنکه تکلیف مانسبت‌به امامان است، نقش محبت‌آفرینی هم دارد (بعدا اشاره خواهدشد).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«الزیارة تنبت المودة». (32).

زیارت و دیدار، مودت و دوستی به بار می‌آورد.

راههای ایجاد محبت

نشناخته را محرم هر راز مکن قفل دل خود بر همه کس باز مکن
در قلق دل برای آینده خویش جز عشق خدا و دین پس انداز مکن

1 - دوران پیش از کودکی

آنچه در ساختن شخصیت یک انسان مؤثر است ، خیلی پیشتر از مدرسه و جامعه آغاز می شود و به مساله تغذیه ، شیر مادر ، روحیات والدین ، شرایط ایام بارداری ، انعقاد نطفه و . . . هم مربوط می شود و موضوع وراثت نیز ، در جای خود مهم است .

اهل معرفت و انسانهای دقیق و ارزشی ، در به وجود آوردن نسلی پاک ، نجیب ، باایمان و اهل صلاح و فلاح ، به این نکات و ریزه کاریها هم توجه می کنند .

در زندگی نامه بسیاری از بزرگان دین یا شهیدان اسلام می خوانیم و می شنویم که مادرانشان آنان را با وضو شیر داده اند ، ایام بارداری و شیردادن ، مواظب حالات روحی خود ، غذای حلالی که می خورده اند ، مجالسی که شرکت می کرده اند ، کتابهایی که می خوانده اند و . . . بوده اند . این مراقبت ها در روحیه و خصلت های کودک تاثیر می گذارد . اینکه مادر در ایام بارداری یا هنگام شیر دادن ، چه صداها و نوارهایی بشنود (ترانه یا تلاوت قرآن یا نوحه و مداحی و . . .) و چه تصاویر و فیلمهایی ببیند ، در چه جلساتی شرکت کند ، با چه کسانی معاشرت داشته باشد ، در تکوین شخصیت معنوی فرزند بی اثر نیست . برخی از سفره امام حسین علیه السلام و اطعام ایام عاشورا و غذاهای نذری ، به قصد تبرک استفاده می کنند . این ایمانها و عقیده ها به نوزادهم منتقل می شود .

آنچه در آداب و سنن اسلامی در مورد کودکان و نوزادان است (از قبیل : از خداوند فرزند صالح خواستن ، دایه صالح گرفتن برای شیر دادن ، توجه به انتقال

اخلاق دایه به فرزند ، کام نوزاد را با آب فرات و تربت کربلا برداشتن ، هنگام تولد و نامگذاری در گوش او اذان و اقامه گفتن ، نام نیک بر او نهادن ، از نام ائمه بر فرزندان گذاشتن ، یاد دادن قرآن و حدیث اهل بیت به فرزندان و آموختن نماز و واداشتن به روزه و . . .) همه نشان دهنده تاثیر اینگونه امور در خلق و خوی کودکان است .

از علی علیه السلام روایت است که فرمود : من از خدای خود فرزندان زیباروی و خوش قامت نطلبیدم ، بلکه از پروردگارم خواستم فرزندان به من عطا کند که مطیع خدا و خائف از او باشند ، تا هر گاه به آنان می‌نگرم که مطیع خدایند ، چشمانم روشن گردد . (33) .

امام سجاد علیه السلام نیز در دعای مخصوص فرزندان ، بیشتر نکته‌های معنوی و دینی و اخلاقی و صلاح و فلاح و تقوا و بصیرت و اطاعت خدا و محبت اولیای الهی و دشمنی با دشمنان خدا می‌طلبد :

«و اجعلهم ابرارا اتقیاء بصراء سامعین مطیعین لک ول اولیائک محبین مناصحین و لجمیع اعداءک معاندین و مبغضین . (34) .

پس دوران کودکی ، فصل تربیت دینی و تربیت ولایی کودکان است و محبت اهل بیت هم یکی از شاخه‌های همین «تربیت دینی است .

من غم و مهر حسین ، با شیر از مادر گرفتم روز اول کامدم ، دستور تا آخر گرفتم
بر مشام جان زدم یک قطره از بوی حسینی سبقت از مشک و گلاب و نافه و عنبر گرفتم

حضور ما در جلسات حسینی و اشک ریختن در سوگ ابا عبدالله علیه السلام و شنیدن حرف و حدیث امامان و اهل بیت ، در روح کودکی که در رحم یا در آغوش دارد ، تاثیرگذار است .

«... در حسینیه دلمان ، مرغهای محبت سینه می زنند و اشکهای یتیم در خرابه چشم ، بقراری می کنند . سینه ما تکیه ای قدیمی است ، سیاهپوش با کتیبه درد و داغ . درب آن با کلید «یا حسین باز می شود وزمین آن با اشک و مژگان ، آب و جارو می شود .

ما دل‌های شکسته خود را وقف اباعبدالله علیه السلام کرده ایم و اشک خود را نذر کربلا ، و این «وقفنامه به امضای حسین علیه السلام رسیده است . این است که زیارت ، ترجیع بند ایام سال ماست .

صبحها وقتی سفره دعا و عزا گشوده می شود ، دل روحمان گرسنه عاطفه و تشنه عشق می شود . ابتدا چند مشت «آب بیداری به صورت جان می زنیم ، تا «خواب غفلت را بشکنیم . زیارتنامه را که می بینیم ، چشمان آب می افتد . «السلام علیک را که می شنویم ، بوی خوش کربلا به مشاممان می رسد . توده های بغض در گلویمان متراکم می گردد و هوای دلمای ابری می شود و آسمان دیدگانمان بارانی .

سر سفره ذکر مصیبت ، قندان دهانمان را پر از حبه قندهای «یا حسین می کنیم و نمکدان چشمان دانه دانه اشک بر صورتمان می پاشد . به دهان که می رسد ، قند و نمک در کاممان می آمیزد و این محلول شور و شیرین ، درمان عشق ماست و نمک گیر سفره حسین علیه السلام می شویم . این است که تا آخر عمر ، دست و دل از حسین علیه السلام بر نمی داریم . آنگاه جرعه جرعه زیارت عاشورا می نوشیم و سر سفره توسل ، «ولایت رالقمه لقمه در دهان کودکانمان می گذاریم .

غذای ما از عطای حسین علیه السلام است . الحمدلله . . . در این خشکسالی دل و قحطی عشق ، نم نم باران اشک ، غنیمتی است که رواق آینه کاری شده چشمان

ما را شستشو می‌دهد . خدایا ما را به چشمه کربلا و نهر علقمه تشنه‌تر کن و معماراشک را برای آبادی دل‌هایمان بفرست .

امروز بر سردر دل‌های ما پرچمی نصب شده که بر آن نوشته است : «السلام علیک یا ابا عبدالله . (35)» .

ریشه‌های حب اهل بیت ، در دوران خردسالی و شیرخوارگی نیرومی‌گیرد و در جوانی و بزرگسالی میوه و برگ و بار می‌دهد . آری . . .
به جام جان نریخت مهر دیگری از آن دمی که دل شد آشنای تو

این مرحله ، به مراقبت‌ها و رفتارهای والدین در دوران شیرخوارگی و نوزادی فرزندان مربوط می‌شود .

اما . . . اینک ماییم و کودکان و نوجوانان موجود در جامعه و ضرورت و اهمیت تربیت ولایی و دینی آنان .

در اینکه چگونه می‌توان جوانان و نوجوانان را «محب آل محمد» و دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام بارآورد ، راه‌های مختلفی وجود دارد . برخی از این راه‌ها جنبه ذهنی و تئوری دارد ، یعنی طرح موضوعات و مباحثی که نتیجه‌آن ایجاد کشش و جذب نسبت به خاندان پیامبر است . عمدتاً بیان فضایل و مناقب و مقامات و شرح حال و سیره اولیاء الهی ، حتی ذکر شمایل و اوصاف ظاهری آنان ، از این بخش است . بعضی حتی از راه تصاویر و عکس‌های منسوب به پیامبر و امامان ، به آنان علاقه پیدا می‌کنند و تصویر ، گذرگاه و معبری برای ورود به دنیای زیبا و دوست‌داشتنی اولیای دین می‌شود . برخی هم جنبه عملی و کاربردی است ، یعنی اجرای برنامه‌ها یا توجه به نکات اجرایی و کاربردی که نتیجه آن جای گرفتن محبت اهل بیت علیهم‌السلام در دل کودکان و جوانان است و این کار ، عمدتاً از

سوی پدران و مادران ، اولیاء و مربیان ، برنامه‌سازان ، مسؤولان فرهنگی و تربیتی کشور و چهره‌های مورد توجه و علاقه نسل نوجوان در جامعه است .
اینک برخی از این راهها و شیوه‌ها برشمرده می‌شود :

2- پیوند با آب فرات و خاک کربلا

استفاده از نمادها و سمبلهایی که به نوعی ارتباط با اهل بیت دارد ، این رابطه را تقویت می‌سازد . «عاشورا» برجسته‌ترین مظهر خط ولایت نسبت به این خاندان است .

«شهادت و «عطش نیز دو جلوه مهم عاشورا است .

«آب فرات یادآور تشنگی امام و اهل بیت او و وفای عباس علیه السلام است و «تربت سیدالشهدا ، خاک آمیخته به خون «تارالله است و این دو ، فرهنگ عاشورا و حب اهل بیت را با خود دارند .

در تعالیم شیعه ، از سنتهای مؤکد مذهبی ، برداشتن کام نوزاد هنگام تولد ، با تربت سیدالشهدا و آب فرات ست یعنی اندکی از این یا آن ، به کام نوزاد مالیدن ، یا در دهان او چکاندن .

این کار ، هم پیوند دادن نوزادان از همان بدو تولد با این خاندان و عاشورا است ، هم نشان عشق والدین به ایجاد این رابطه است ، هم تاثیر طبیعی این «آب و خاک در سرشت و طینت و خلق و خوی فرزندان است . همچنان که طبق احادیث بسیار ، خداوند در تربت سیدالشهدا «شفا» و خاصیت درمانی قرار داده است ،⁽³⁶⁾ اثر ایجاد محبت و امنیت هم در این تربت و آن آب نهاده

است . پس ، از راههای عملی ، یکی هم عمل به این سنت دینی است . اثر ایجاد محبت در روایات مربوط به آن هم بیان شده است . امام صادق علیه السلام فرمود :

«حنکوا اولادکم بماء الفرات . (37) .

کام نوزادان خود را با آب فرات بردارید .

امام صادق علیه السلام به سلیمان بن هارون بجلی فرمود :

«ما اظن احدا یحنک بماء الفرات الا احبنا اهل البیت . (38) .

گمان نمی‌کنم که کسی با آب فرات ، کام نوزاد را بردارد مگر آنکه ماخاندان را دوست‌بدارد .

آن حضرت ، فرات را نهری بهشتی می‌داند که به خدا ایمان آورده است و روزی یک قطره از بهشت در آن می‌چکد . و نیز فرمود :

«من شرب من ماء الفرات وحنک به فهو محبنا اهل البیت . (39) .

هر کس از آب فرات بنوشد ، یا کام کودک را با آن بردارد ، یقیناً دوستدار ماخاندان خواهد بود .

علی علیه السلام فرمود :

«ان اهل الکوفة لو حنکوا اولادهم بماء الفرات لکانوا شیعة لنا» . (40) .

اگر کوفیان ، اولاد خود را با آب فرات ، کام برداشته بودند ، شیعه ما می‌شدند .

امام صادق علیه السلام فرمود :

«ما احد یشرّب من ماء الفرات و یحنک به اذا اولد الا احبنا ، لان الفرات نهر

مؤمن . (41) .

هیچ کسی نیست که از آب فرات بنوشد ، یا وقتی فرزند آورد ، کام او را با آب فرات بردارد ، مگر آنکه دوستدار ما شود ، چرا که فرات ، نهری مؤمن است .

آن حضرت ، در مورد کام برداشتن نوزادان با تربت سیدالشهدا هنگام تولد ،
چنین دستور داده است :

«حنکوا اولادکم بتربة الحسین ، فانها امان .⁽⁴²⁾ .

فرزندان خود را با تربت حسین علیه السلام کام بگیرید ، چرا که مایه ایمنی است .
البته در روایات ، تاکید شده است که این بهره گیری درمانی از تربت ، وقتی
است که انسان به این نکته باور داشته باشد که خداوند در تربت آن حضرت ، این
نفع و خیر را قرار داده است .⁽⁴³⁾ .

سنت آمیختن آب یا شربت به تربت سیدالشهدا و نوشیدن و نوشاندن آن به
دیگران جهت درمان ، زمان ائمه هم رواج داشته است .⁽⁴⁴⁾ امروز نیز میان معتقدان
و شیفتگان این مکتب ، رایج است .⁽⁴⁵⁾ .

3- استفاده از علاقه به محبوبیت

هر کس دوست دارد مورد علاقه و محبت دیگران باشد و مورد توجه قرار گیرد. در جذب افراد، اظهار علاقه خیلی مؤثر است، بخصوص آن طرفی که انسان مورد علاقه او باشد اگر شخصیتی معروف، مهم و معتبر باشد، مورد رغبت بیشتری است. تا چه رسد به اینکه آن طرف، خدا و حضرت رسول ﷺ و ائمه اطهار  باشند. باید چنین القا کرد که رشته محبت و علقه ولایی با اهل بیت  موجب می شود انسان محبوب خدا و رسول خدا ﷺ گردد و چه موهبتی بالاتر از این؟ طرح این مساله که ائمه  دوستانشان را دوست دارند، ایجاد محبت می کند. روایت در این زمینه بسیار است، از جمله این حدیث:

کسی به محضر امام علی  رسید و گفت: السلام عليك يا امير المؤمنين و رحمة الله و برکاته، كيف اصبحت؟ سلام (و رحمت و برکات خدا) بر تو ای امیر مؤمنان. چگونه صبح کردی و چگونه ای؟

حضرت سر بلند کرد و پاسخ سلامش را گفت و فرمود:

«اصبحت محبا لمحبا و مبغضا لمن يبغضنا»⁽⁴⁶⁾.

صبح کردم، در حالی که دوستان دوستانمان هستیم و دشمن کسی که با ما دشمنی دارد.

طرح مساله حب متقابل و رضایت طرفینی میان خدا و بنده یا پیامبر ﷺ و امت، کارساز است. قرآن هم نمونه هایی دارد، همچون: «رضی الله عنهم و

رضوا عنه،⁽⁴⁷⁾ «فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه»⁽⁴⁸⁾ که در مورد اهل ایمان و عمل صالح و متعهدان به دین و ثابت قدمان در راه خداست .

با طرح این که خدا چه کسانی را دوست می‌دارد؟ و پاسخ این که محبان اهل بیت را، و نتیجه‌گیری این که پس محبوب خدا شدن هم در سایه مودت اهل بیت است، علاقه‌ها را به این خاندان می‌افزاید .

هم دوست داشتن برگزیدگان افتخار است، هم محبوب آنان بودن ارزش است. در زیارت «امین الله»، در حریم‌های ائمه معصومین از خداوند چنین درخواست می‌کنیم:

خدایا! دل و جان مرا شیفته اولیای برگزیده‌ات قرار بده و مرا در زمین و آسمان محبوب گردان:

«محببة لصفوة اولیاءک، محبوبه فی ارضک و سماءک»⁽⁴⁹⁾.

دوستی با اهل بیت علیهم‌السلام انسان را با این خانواده همخون و همدل می‌سازد و عضو این خانواده الهی می‌گرداند. همچنان که سلمان فارسی را رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از این دودمان دانست و فرمود: «سلمان منا اهل البیت»⁽⁵⁰⁾ «سلمان از ما خاندان است» .

چنین تعبیری را پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره ابوذر غفاری هم فرموده است و امام صادق علیه‌السلام نیز درباره فضیل بن یسار⁽⁵¹⁾ و یونس بن یعقوب⁽⁵²⁾ فرموده است که اینان از ما خاندان هستند .

این موهبت بزرگی است که انسان از خاندان پیامبر محسوب شود. محبت اهل بیت، چیزی است که این امتیاز را برای دوستدار می‌آورد. به این دو حدیث توجه کنید (که یکی محبت و دیگری تقوا و عمل صالح رازمینه‌ساز عضویت در مجموعه اهل بیت می‌داند):

امام باقر علیه السلام: «من احبنا فهو منا اهل البيت»⁽⁵³⁾ هر که ما را دوست بدارد از ما خاندان است

امام صادق علیه السلام: «من اتقى منكم و اصلح فهو منا اهل البيت»⁽⁵⁴⁾ هر کس از شما که تقوا پیشه کند و در پی صلاح و اصلاح باشد، او از ما اهل بیت است.

توجه به این نکته مهم است که محبت به تنهایی، بدون تقوا و صلاح و اصلاح، چندان کارساز نیست و محبت واقعی به همان همسویی می کشد.

4- توجه به عنایت اهل بیت به شیعه

پیروان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام، مورد عنایت و توجه و تقدیر خاندان پیامبرند. توجه داشتن و توجه دادن به این عنایت و محبت و تکریم، محبت آنان را در دلها ایجاد می کند یا می افزاید. اهل بیت، هوادارانشان را دوست دارند، آنان را می شناسند، آنان را شاخ و برگ درختی می دانند که به خودشان مربوط می شود، در دنیا گرفتاری هایشان را حل می کنند، در آخرت از آنان شفاعت می کنند و محبان خویش را از یاد نمی برند.

در این زمینه احادیث فراوانی است که به چند نمونه اشاره می شود:

1 - حدیفة بن اسید غفاری گوید: امام حسن مجتبی علیه السلام وقتی با معاویه صلح کرد و به مدینه برمی گشت همراهش بودم. پیش او یک بار شتر بود که همواره همراه آن بود و جدا نمی شد. روزی گفتم: این بار چیست که از تو جدا نمی شود؟

فرمود: می‌دانی چیست؟ گفتم: نه. فرمود: «دیوان است. گفتم: دیوان
و دفتر چیست؟ فرمود: دفتر شیعیان ماست، نامهایشان در آن است:
«دیوان شیعتنا فیه اسماؤهم» .⁽⁵⁵⁾

2 - امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود:

«... و عرفنا شیعتنا کعرفان الرجل اهل بینه» .⁽⁵⁶⁾

ما شیعیان خود را می‌شناسیم، همانگونه که یک فرد، خانواده خود
رامی‌شناسد.

3 - امام سجاد علیه السلام فرمود: ما هر کس را ببینیم، می‌شناسیم که
مؤمن حقیقی است یا منافق. شیعیان ما ثبت شده‌اند و نامهایشان و
نامهای پدرانشان معروف است، خدا از ما و از آنان پیمان گرفته است، هر جا
که ما وارد شویم آنان نیز وارد می‌شوند:

«ان شیعتنا لمکتوبون معروفون باسمائهم و اسماء آبائهم، اخذ الله الميثاق علينا
و عليهم، یردون مواردنا و یدخلون مداخلنا» .⁽⁵⁷⁾

4 - امام کاظم علیه السلام در مورد آیه «وَمَنْ هَدِينَا وَاجْتَبَيْنَا»⁽⁵⁸⁾ فرمود:

«فهم والله شیعتنا الذین هداهم الله لمودتنا واجتباهم لدیننا...» .⁽⁵⁹⁾

به خدا قسم آنانند شیعیان ما، آنان که خداوند بر مودت و دوستی ما
هدایتشان کرده و برای آیین ما آنان را برگزیده است.

این که انسان توفیق مودت و پیروی این خاندان را داشته باشد،
توفیق ارزشمندی است که نصیب همه نمی‌شود و بر این نعمت معنوی باید خداوند
را سپاس گفت. عنایت دیگر ائمه، در مورد حساب و شفاعت شیعه جلوه‌گر
است که در حدیث بعد آمده است.

5 - امام صادق علیه السلام در ذیل آیه «ان الینا ایاہم ثم ان علینا حسابہم (60)

فرمود :

«اذا کان یوم القیامة جعل الله حساب شیعتنا علینا . . .» .⁽⁶¹⁾

چون روز قیامت فرا رسد ، خداوند حسابرسی شیعیان ما را برعهده مامی گذارد .

و در حدیث دیگری از آن حضرت است :

«نشفع لشیعتنا فلا یردنا ربنا» .⁽⁶²⁾

ما برای شیعیان خود شفاعت می‌کنیم ، خداوند هم شفاعت ما را رد نمی‌کند .

6 - امام صادق علیه السلام فرمود :

«اینما نکون فشیعتنا معنا» .⁽⁶³⁾

ما هر جا که باشیم ، پیروان ما با مایند .

حتی در ورود به بهشت نیز این همراهی وجود دارد ، علی علیه السلام فرموده است :
از هشت در بهشت ، پنج در است که شیعیان و دوستان آنان ما اهل بیت از آن وارد می‌شوند :

« . . . و خمسة ابواب یدخل منها شیعتنا و محبونا» .⁽⁶⁴⁾

7 - امام صادق علیه السلام در مسجد ، گروهی از شیعیان را دید ، به آنان

نزدیک شد و سلامشان داد و فرمود : به خدا قسم من بوی شما و روح شما را دوست دارم ، ما را با تقوا و تلاش ، یاری کنید . شما یاران دین خدایید ، شما پیشتازان به سوی بهشتید ، ما بهشت را برای شما تضمین کرده‌ایم ، هر چیزی شرفی دارد ، شرافت دین ، شیعه است . هر چیزی ستونی دارد ، ستون دین ، شیعه است . هر چیزی سروری دارد ، و بهترین مجالس و سرور آنها ، مجالس شیعه است :

«والله انى لاحب ریحکم و ارواحکم . . . انتم السابقون الى الجنة ، قد ضمنا لكم الجنان بضمن الله و رسوله . . . الا و ان لكل شىء شرفا و شرف الدين الشيعة ، الا ان لكل شىء عمادا و عماد الدين الشيعة ، الا و ان لكل شىء سيدا و سيد المجالس مجالس شيعتنا» . (65) .

8 - امام باقر عليه السلام درباره «شجره طيبه كه در قرآن است ، فرمود : آن درخت ، حضرت رسول صلی الله علیه و آله است ، تنه آن ، على عليه السلام است ، شاخه اش فاطمه عليها السلام است ، ميوه هايش فرزندان فاطمه زهرايנד و شيعه ، برگهاى آن درختانند (و اوراقها شيعتنا) هرگاه يکى از شيعيان ما از دنيا برود ، برگى از آن درخت افتاده و هرگاه نوزادى براى شيعه به دنيا آيد ، به جاى آن برگ ، برگى مى رويد . (66) .

9- اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود :

«ان الله تعالى اطلع الى الارض فاختارنا واختر لنا شيعة ينصروننا و يفرحون بفرحنا و يحزنون لحزننا و يبذلون انفسهم و اموالهم فينا ، فاولئك منا و الينا وهم معنا فى الجنان . (67) .

خداوند بر زمين اشرف و عنايت و نگاه کرد پس ما را برگزيد و براى ما پيروانى برگزيد كه ما را يارى مى کنند ، با شادى ما شاد مى شوند ، بر اندوه ما اندوهگين مى شوند و جانها و مالهايشان را در راه ما خرج مى کنند ، پس آنان از ما و به سوى مايند و آنان در بهشت با ما خواهند بود .

اين نيز عنايت خدا و اهل بيت به پيروان اين خاندان و برگزيدگى و منتخب بودن صاحبان اين محبت و ولايت را مى رساند . اين عنايات خاص ، موجب ازدياد محبت انسان به اين خاندان جود و كرم مى شود و دلبستگى و دلدادگى مى آورد .

درباره جایگاه و منزلت شیعه نزد ائمه اطهار و توجه خاصی که به موالیان خود دارند و مقامی که خدا برای سیراب شدگان از چشمه محبت و ولای آل الله قرار داده ، آن قدر حدیث است که از شمار بیرون است . نقل آنها کتابی قطور خواهد شد . اما برای آشنایی با مضامین گوشه‌ای از این احادیث ، عنوان بعضی از این فضیلتها و ویژگیها را می‌آوریم : (68) .

شیعیان علی علیه السلام در قیامت سیراب ، و رستگار و کامیابند . شیطان بر پیروان علی علیه السلام سلطه ندارد . شیعیان علی شیعه خدایند ، شیعیان علی ، آمرزیده‌اند ، در قیامت به دست علی علیه السلام از کوثر سیراب می‌شوند ، پیروان او در دنیا و آخرت منصورند و برگه عبور از آتش می‌گیرند و ایمن‌اند ، اگر شیعه نبود ، دین خدا استوار نمی‌شد ، آنان بهترین بندگان و بر صراط حق‌اند و دین اهل بیت را گرفته‌اند ، شیعیان ما به خدا و به عرش خدا و به مانزدیک تر از دیگرانند ، پیروان ما گواه و شاهد بر مردم دیگرند ، ما و شیعه ما «اصحاب الیمین هستیم ، شیعیان ما هدایت یافته ، صابر ، گرانقدر ، صادق و رها از سلطه و نفوذ شیطانند ، پیروان ما هنگام رستاخیز ، با چهره‌های نورانی از قبرها برانگیخته می‌شوند و سواره به محشر می‌آیند ، با نور خدایی می‌نگرند ، از سرشت ما آفریده شده‌اند ، هم ما برگزیده‌ایم هم شیعیان ما ، آنان از شعاع نور ما خلق شده‌اند . خداوند در دنیا شیعه ما را از گناهانشان پاک می‌کند ، خداوند از شیعیان ما میثاق ولایت گرفته است ، ما گواه بر شیعیانیم و شیعیان شاهد بر دیگرانند ، شیعیان ما می‌توانند نسبت به خانواده خود هم شفاعت کنند ، شهید شیعه بر شهدای دیگر برتری دارد ، پیروان با ایمان ما با پیامبر خویشاوندند و . . . صدها کرامت و فضیلت ارجمند .

البته این اوصاف و فضایل و جایگاه والا ، به همان اندازه که قیمتی
و محبت آور و دوست داشتنی است ، مسؤولیت و تعهد و مراقبت و
دینداری بیشتری می طلبد ، تا انسان شایسته این همه مقام و رتبه شود (به
نکایات پایانی این جزوه دقت کنید) .

5- بیان فضیلت حب آل پیامبر صلی الله علیه و آله

فعال ساختن کانال تبلیغ محبت اهل بیت علیهم السلام ، در جذب دیگران اثر دارد . گفتن و مطرح کردن خوبیهای آنان مؤثر است . به عنوان یک دستورکار ، باید فضیلت ، آثار و برکات محبت اهل بیت علیهم السلام را بصورت پیوسته طرح کرد . به هر حال در عده‌ای اثر می‌گذارد و مردم به دنبال یک موج تبلیغاتی در رسانه‌ها یا مراکز فرهنگی ، به سمت و سوی گرایش می‌یابند . در این باره احادیث فراوان است . به عنوان نمونه : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

الا و من مات علی حب آل محمد مات شهیدا ، .

الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفورا له ، .

الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمنا مستکمل الایمان ، .

الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنة ، .

الا و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان الی الجنة ، .

الا و من مات علی حب آل محمد جعل الله قبره مزار ملائكة الرحمة . . . (69) .

هر کس با محبت آل محمد بمیرد ، شهید مرده است ، آمرزیده می‌شود ، باتوبه می‌میرد ، با ایمان کامل می‌میرد ، فرشته مرگ او را به بهشت مژده می‌دهد ، در قبرش دو در به روی بهشت گشوده می‌شود ، قبر او زیارتگاه فرشتگان رحمت الهی می‌شود .

چنین روایاتی فراوان است . ذکر اینها دلها را تکان می‌دهد و شیفته‌اهل بیت علیهم السلام می‌سازد . از جمله نکاتی که در فضیلت این محبت در روایات فراوان آمده است اینهاست :

- حب اهل بیت ، اساس دین و نظام دین است . (70) .
- حب اهل بیت ، حب خداست . (71) به قول مولوی :
- این محبت از محبتها جداست .
- حب محبوب خدا ، حب خداست .
- حب اهل بیت ، حب رسول خداست . (72) .
- حب اهل بیت ، هدیه الهی است . (73) .
- حب اهل بیت ، برترین عبادت است . (74) .
- حب اهل بیت ، باقیات الصالحات است . (75) .

پس وقتی حب اهل بیت علیهم السلام این همه فضیلت دارد ، باید ظرف دل را از محبت آنان پر کرد و عشقها و علاقه‌ها را نثار آنان نمود که شایسته‌ترین افراد برای دوست داشتن و عشق ورزیدن‌اند و ارزش دل به عنوان یک ظرف ، بستگی به محتوای محبتی دارد که در آن است . قیمت انسان ، به عشقی است که در ظرف دلش جای می‌گیرد . هر چه آن معشوق و محبوب ، ارزشمندتر و نفیس‌تر باشد ، انسان هم قیمتی‌تر و پربهاتر می‌شود .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : ای مردم ! پیوسته مودت ما خاندان را داشته باشید و از آن جدا نشوید ، هر کس خدا را در حالی ملاقات کند که مودت ما را داشته باشد ، با شفاعت ما وارد بهشت می‌شود . (76) .

6- طرح نیازمندی و بهره‌مندی از این محبت

انسان معمولاً مجذوب کسی یا جایی می‌شود که گره از کار او بگشاید و بهره برساند. در رابطه‌های اجتماعی افراد، به وضوح این مساله دیده می‌شود. در زندگی ممتد و مستمر ما که تا آخرت ادامه می‌یابد، کجاها گیر می‌کنیم و نیاز به کمک داریم؟ هنگام مرگ، در برزخ، در رستاخیز، هنگام عبور از صراط و... که بشدت نیازمند و گرفتاریم، به کارسازی محبت اهل بیت علیهم‌السلام آگاه می‌شویم. در این زمینه هم حدیث بسیار است از جمله این چند حدیث مشهور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله:

1 - «حبی و حب اهل بیته نافع فی سبعة مواطن احوالهن عظیمه : عند الوفاة و فی القبر و عند النشور و عند الكتاب و عند الحساب و عند المیزان و عند الصراط». (77).

حب من و محبت اهل بیت من در هفت جا سود می‌بخشد، هفت جایی که هول و هراس آنها عظیم است: هنگام مرگ، در قبر، هنگام برخاستن از قبر، هنگام تحویل نامه اعمال، هنگام حساب و بررسی اعمال، هنگام سنجش عملها و هنگام عبور از صراط.

2 - «سال رجل رسول الله عن الساعة، فقال: ما اعددت لها؟ قال: ما اعددت لها کبیرا، الا انی احب الله و رسوله. قال: فانت مع من احببت (المرء مع من احب) قال انس: فما رایت المسلمین فرحوا بعد الاسلام بشیء اشد من فرحهم بهذا». (78).

مردی از پیامبر پرسید که قیامت کی است و چگونه است ؟ حضرت پرسید :
 برای قیامت چه آماده کرده‌ای ؟ گفت : چیز مهمی آماده نکرده‌ام ، جز اینکه خدا
 و پیامبرش را دوست دارم . حضرت فرمود : تو با کسی هستی که دوست
 می‌داری (انسان با کسی محشور می‌شود که دوستش دارد) . انس گوید : من
 ندیدم که مسلمانان ، پس از اسلام به چیزی بیش از این سخن خوشحال شوند .
 3 - علی علیه السلام : «من احبنا كان معنا يوم القيامة ، ولو ان رجلا احب حجرا
 لحشره الله معه . (79) .

هر کس ما را دوست بدارد ، در روز قیامت با ما خواهد بود ، اگر کسی
 یک سنگ را دوست بدارد ، خداوند او را با آن سنگ محشور می‌سازد .
 این مژده بزرگی است که علاقه‌مند به اهل بیت علیهم السلام بدانند که در آخرت هم با
 آنان محشور خواهد بود . وقتی محبت تا این اندازه کارساز است ، چرا این گنج
 را نداشته باشیم ؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید : دم مرگ ، وقتی که جانتان به گلوگاه می‌رسد ،
 بیشترین نیاز را به محبت ما دارید . اگر حب ما در دلتان بود ، فرشته‌مژده‌رسان
 می‌آید و می‌گوید : هراسی نداشته باش ، که ایمن شدی . (80) .
 آثار محبت اهل بیت علیهم السلام در روایات ، بسیار فراوان ذکر شده است ،
 جمع‌بندی این آثار و منافع ، بخصوص برای مرحله آخرت ، در این
 عنوان‌های گنجد : (81) .

- موجب از بین رفتن گناهان می‌شود . (82) .

- دل را پاک می‌سازد . (83) .

- در دل ، حکمت جاری می‌سازد . (84) .

- کمال دین است . (85) .

- موجب برخورداری از شفاعت است . (86)
 - نور در قیامت است . (87)
 - ایمنی در قیامت است . (88)
 - موجب ثبات در صراط است . (89)
 - از آتش دوزخ نجات می دهد . (90)
 - موجب محشور شدن با اهل بیت است . (91)
 - انسان را بهشتی می سازد . (92)
 - موجب خیر دنیا و آخرت و نجات از عذاب قبر است . (93)
- حضرت رسول ﷺ فرمود : خداوند به هر کس محبت امامان از اهل بیت مرا روزی کند به خیر دنیا و آخرت رسیده و بی شک اهل بهشت است و در حب اهل بیت من بیست خصلت و فایده است ، ده تا در دنیا و ده تا در آخرت . (94)
- توجه به آثار و برکات این محبت ، سبب شیفتگی انسان به اهل بیت ﷺ می شود و این گوهر گرانبها را در نظر افراد ، ارزشمند می سازد . نمونه های متعددی نقل شده از کسانی که به خواب زندگان آمده اند و چون از اوضاع و احوال پس از مرگ از آنها سؤال شده ، در پاسخ گفته اند : بازار عمل خیلی کساد است ، آنچه ما را نجات داد ، محبت خاندان پیامبر بود . این نیز بخشی از نیازمندی ما را به محبت و کارساز بودن مودت اهل بیت نشان می دهد .

7- ارزش جلوه دادن محبت اهل بیت علیهم السلام

وقتی کاری مورد تقدیر و تشویق قرار می‌گیرد و به عنوان «الگو» مطرح می‌شود، در دیگران هم جذبه و کشش ایجاد می‌کند. ارزشگذاران جامعه، مسؤولان فرهنگی هنری، برگزارکنندگان مسابقات، جایزه‌دهندگان، اینها همه در ارزش به شمار آمدن این محبت نقش دارند. وقتی کسی به خاطر شعر گفتن یا قصه نوشتن یا کتاب خواندن در مورد ائمه علیهم‌السلام تشویق شود، هم محبت پیدا می‌کند و هم به خاطر این پیوند، احساس عزت و سربلندی دارد. چون می‌داند که این کیف و چادر و کتاب و جایزه را به خاطر این موضوع جایزه گرفته است و از آن قضیه، خاطره شیرینی به یادش می‌ماند که در پدید آوردن این جذبه، مؤثر است.

افراد نسبت به هر چه مورد تشویق و احترام قرار می‌گیرند، از جمله گرایشهای مذهبی و علاقه به اهل بیت، به آنها علاقه بیشتری پیدامی‌کنند و اگر بی‌توجهی و برخورد سرد ببینند، دل‌سرد و زده می‌شوند. در این زمینه، بخصوص تشویق در حضور دیگران مؤثرتر است. البته باید دقت کرد که تشویق، حالت «رشوه پیدا نکند».

در جامعه به هر چه بها داده شود، هم نسبت به آن گرایش پیدا می‌شود و هم طرفداران، با غرور و افتخار آن را مطرح می‌کنند. مثلاً وقتی از جوانهای پرسند: درباره چه چیزی شعر می‌گویید، اغلب می‌گویند: عشق، بهار، دوستی، زندگی، گل و بلبل و... وقتی از نوجوانان و جوانان پرسیده

می‌شود: چه کتابهایی می‌خوانید، می‌گویند: رمان، کتابهای علمی، داستانهای تخیلی و ...

گویا سختشان است بگویند که درباره خدا و نماز و ائمه علیهم‌السلام شعر می‌گوییم یا کتابهای مربوط به اهل بیت علیهم‌السلام و کتب دینی می‌خوانیم. چون از این جهت مورد تشویق قرار نمی‌گیرند و با نام اینها آب دهانشان راه نمی‌افتد و احساس غرور شخصیت و بالیدن و فخر فروختن نمی‌کنند.

باید شرایطی پیش آورد که اگر کسی درباره اهل بیت علیهم‌السلام، شعر گفت، شعر حفظ کرد، حدیث حفظ کرد، کتاب خواند، قصه نوشت، فیلم ساخت، تابلوی هنری کشید، یا حتی نام ائمه علیهم‌السلام را داشت یا نام اهل بیت علیهم‌السلام را روی فرزند خود گذاشت، احساس افتخار و سربلندی کند و این را ارزش احساس کند و ارزنده تلقی کند. حب اهل بیت، لطف و موهبت ویژه الهی است که در دل‌های شایسته جای می‌گیرد. به فرموده حضرت رضا علیه‌السلام:

«یهدی الله لولایتنا من احب» (95).

خدا هر که را دوست‌بدارد، به ولایت ما راهنمایی می‌کند.

به قول شهریار:

چه شاعران که هم اهل صفا و مرد رهند ولی «مقام ولایت به هرکسی ندهند

معمولا اشخاصی که به خاطر مثلا نام علی، مهدی، فاطمه، حسین و ... در مناسبت‌های ویژه امامان، جایزه می‌گیرند، نسبت به این نام‌ها و صاحبان آنها علاقه پیدا می‌کنند و دیگران هم آروز می‌کنند که کاش چنین نام‌هایی داشتند و به مواهب و هدایایی نایل می‌شدند. به این نکته باید چنان ظریف عمل شود که شوق داشتن چنین نام‌هایی در دل ایجادشود، نه آنکه به خاطر نداشتن این اسامی، عقده و بدبینی و احساس حقارت پدید آید و اثر منفی به بار آورد. این

محبت باید چنان نفیس و قیمتی معرفی شود که دارنده آن ، به داشتنش افتخار کند و آن را کوچک نشمارد . توصیه امام صادق علیه السلام است که : مودت و دوستی ما را کوچک شمارید ، چرا که از باقیات صالحات است .⁽⁹⁶⁾ .
مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهم این گنج ، پربهاست ، من ارزان نمی‌دهم

وقتی از رسانه‌ها ، تلویزیون ، مسابقات و گزارشها ، «الگو» معرفی می‌شود ، تاثیرگذار است و همان الگوی مطرح شده ، محبوب دلها می‌شود ، خواه یک فوتبالیست باشد ، یا آوازخوان ، یا حافظ قرآن ، یا مخترع ، یا نقاش و شاعر و هرکس در هر زمینه و موردی مورد تشویق و تکریم قرار گیرد ، همان «جهت» مورد توجه مخاطبان اینگونه برنامه‌ها واقع می‌شود . تشویق یک هنرپیشه ، گرایش به هنر را افزایش می‌دهد ، تشویق یک حافظ قرآن ، علاقه به قرآن و قرائت و حفظ ، پدید می‌آورد و بزرگداشت یک دانش‌آموز موفق در المپیادهای علمی ، گرایش علمی جوانان را بالا می‌برد .

چهره‌ها ، شعرها ، شاعران و شخصیت‌های علمی ، ادبی و هنری که حتی در کتب درسی کودکان و نوجوانان مطرح می‌شود ، محبت و علاقه می‌آفریند . از این رو در گزینش اینگونه چهره‌ها نیز باید دقت کرد ، چون معرفی یک شاعر ولایی و انقلابی ، نوعی الگو دادن است و گرایشهای مذهبی و اهل‌بیتی می‌آورد .
امام صادق علیه السلام فرمود :

«یا معشر الشیعة ! . . . علموا اولادکم شعر العبدی فانه علی دین الله .⁽⁹⁷⁾ .
ای گروه شیعه ! به فرزندانان شعر «عبدی را بیاموزید ، چرا که او بر دین خداست .

این توصیه امام صادق علیه السلام که شیعیان شعر عبدی کوفی ⁽⁹⁸⁾ را به بچه‌هایشان یاد بدهند ، بزرگترین تشویق و الگودهی است . شعر عبدی ، از فضیلت‌های اهل بیت علیهم السلام ، موج می‌زد . «سید حمیری که از شاعران متعهدشیهه است می‌گفت : هر کس حدیثی بگوید از فضایل علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام که من آن را در شعرم نگفتم ، این اسبم را به او می‌بخشم !

ابوطالب ، پدر حضرت علی علیه السلام از موحدان و مؤمنان به پیامبر اکرم بود و در وصف او اشعاری سروده است . نقل است که حضرت علی علیه السلام دوست می‌داشت که شعرهای ابوطالب نقل و تدوین گردد و فرمود : آنها را یادبگیرید و به فرزندانان هم بیاموزید ، چرا که ابوطالب ، بر دین خدا بود و در شعر او دانش بسیاری است :

«کان امیرالمؤمنین علیه السلام یعجبه ان یروی شعر ابی طالب وان یدون وقال : تعلموه و علموه اولادکم ، فانه کان علی دین الله و فیه علم کثیر» . ⁽⁹⁹⁾

این نیز نمونه دیگری در الگودهی فرهنگی و ادبی و توجه به محتوا و درونمایه مثبت و سازنده شعر و شاعر است که در انتقال به فرزندان باید مورد توجه قرار گیرد .

دختر ابو الاسود دوئلی وقتی فهمید که خلیفه ، عسل را فرستاده تا محبت اهل بیت علیهم السلام را از دل آنها بیرون کند ، آنچه را خورده بود ، پس آورد ، و نخواست با خوردن عسل ، مهر آل علی را از دست بدهد . ⁽¹⁰⁰⁾

معلمان در این مسائل خیلی می‌توانند خط دهی داشته باشند و به گرایشها و الگوگیریهای نوجوانان هت بدهند . حتی اگر یک دختر و پسر غیر متعهد ، به خاطر اینکه اسمشان مهدی یا زینب و فاطمه است جایزه بگیرند ، همین تاثیر ضمنی در ایجاد محبت می‌کند . اگر اهدای جوایز ، در سالروز مناسبت‌های دینی و

اهل بیتى انجام گیرد ، بخصوص ولادتهای معصومین ، در ایجاد زمینه‌های گرایش مؤثر است .

در احادیث شفاعت آمده است که روز قیامت ، حضرت زهرا علیها السلام شیعیان را شفاعت می‌کند . آنان که مورد شفاعت قرار گرفته‌اند ، از خدا می‌خواهند که منزلت و قدرشان آن روز معلوم گردد . به آنان خطاب می‌شود : برگردید و بنگرید ، هرکس به خاطر محبت فاطمه علیها السلام شما را دوست داشته ، یا به شما طعام و لباس داده و آب نوشانده ، یا از آبروی شما دفاع کرده ، دست او را بگیرد و وارد بهشت‌سازید .⁽¹⁰¹⁾ این نیز نشان دهنده ارزش این محبت و اثربخشی آن در قیامت است .

8- تعظیم و تکریم و تعریف

جوانان ، به خاطر حالت الگوگیری از مربیان ، حتی از حالات و رفتار آنان هم سرمشق می‌گیرند و نکته می‌آموزند . حالات و حرکات معلم و مربی به صورت «آموزش غیرمستقیم در شاگردان اثر می‌گذارد . مقام معظم رهبری آیه‌الله خامنه‌ای در دیدار با معلمان فرمود :

«عزیزان من ! معلمان و معلمات عزیز ! شماها در سر کلاس ، نه فقط درسی که می‌دهید ، بلکه نگاهی که می‌کنید ، اشاره‌ای که می‌کنید ، لبخندی که می‌زنید ، اخمی که می‌کنید ، حرکتی که انجام می‌دهید ، لباسی که می‌پوشید ، بر روی دانش آموز اثر می‌گذارد . ما به خودمان که مراجعه می‌کنیم ، عمیقترین احساسات و عواطف و حالات خودمان را اگر ریشه‌یابی کنیم ، در انتهای خط یک معلم را مشاهده می‌کنیم . معلم است که ما را می‌تواند شجاع یا جبان ، بخشنده یا بخیل ، فداکار یا خودپرست ، اهل علم و طالب علم و فهم و فرهنگ ، یا منجمد و بسته و پای‌بند به تفکرات جامد بار بیاورد . معلم است که می‌تواند ما را متدین ، باتقوا ، پاکدامن ، یا خدای ناکرده بی‌بند و بار ، بار بیاورد . معلم چنین نقشی دارد . این ارزش معلم است ، این تاثیر معلم است . (102)

نحوه برخورد اولیاء ، معلمان و مربیان با اهل بیت علیهم‌السلام در حضور فرزندان و جوانان ، به آنان هم یاد می‌دهد . نام ائمه علیهم‌السلام را با تکریم و احترام یاد کردن ، همراه اسمشان درود و صلوات فرستادن ، به احترام نام امام زمان عیج برخاستن و دست‌بر سر نهادن ، روز میلاد ائمه علیهم‌السلام را جشن گرفتن و بزرگ داشتن ، روز وفاتشان حریم نگهداشتن و حرفهای خنده‌دار و برخورد‌های شاد نداشتن ، در

غم و اندوهشان حالت غم داشتن ، تاثیرگذار است . در اینگونه مسائل ،
کوچکترها به بزرگترها نگاه می کنند . این حالت ، خصلت شیعه است :
«شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا ، یفرحون لفرحنا و یحزنون لحزننا»

شیعیان ما از اضافه سرشت ما آفریده شده اند . با شادی ما شد می شوند و
برای اندوه ما اندوهگین می شوند .

حتی کیفیت نام بردن و لحن ما در این مساله ، مؤثر است . یک
وقت می گوئیم : «امام رضا گفت و یک وقت می گوئیم ، «حضرت امام رضا
علیه السلام فرمودند» . این دو با هم خیلی فرق دارد . اگر هنگام شنیدن نام پیامبر
صلی الله علیه و آله یا یکی از معصومین علیهم السلام ، زیر لب صلوات بر آنها بفرستیم ، این هم
نوعی تکریم است و در دیگران تاثیرگذار . اگر بزرگترها ، معلمان ، مربیان ، با
شوق و ابتهاج و اظهار شیفتگی از ائمه حرف بزنند و از اهل بیت و محبت
آنان سخن و داستان بگویند ، مؤثر است . گوینده و تبلیغ کننده باید عقیده اش هم
همان باشد که می گوید و با عقیده و باور و شوق و علاقه حرف بزند .
این حالت به شنوندگان و مخاطبان هم منتقل می شود . انتقال حس و حالت
از گوینده به شنونده و تماشاگر بدیهی است .

در احادیث مکرر ، آمده است که هنگام شنیدن نام محمد صلی الله علیه و آله بر او
درود بفرستید . خود امامان نیز اینگونه عمل می کردند و با شوق و احترام از
اهل بیت یاد می کردند و این احساس به مخاطبین هم منتقل می شد . وقتی دعبل ،
شاعر اهل بیت ، قصیده معروف خویش را برای امام رضا علیه السلام در خراسان
خواند ، چون به آنجا رسید که از امام زمان علیه السلام و ظهور و قیام او در آینده یاد

می‌کند ، حضرت دست بر سر گذاشت و به نشان تواضع در برابر نام مهدی علیه السلام ، ایستاد و برای فرج آن حضرت دعا کرد . (103) .

از امام صادق علیه السلام درباره حضرت قائم علیه السلام پرسیدند که آیا او متولد شده است ؟ حضرت فرمود : نه ، ولی اگر من او را دریابم ، در طول حیاتم خدمتگزار او خواهم بود . (104) .

امام باقر علیه السلام چون از آن حضرت یاد کرد ، خطاب به راوی (ام هانی تقفیه) فرمود : خوشا به حال تو ، اگر او را دریابی ، خوشا به حال کسی که او را دریابد و دیدار کند . (105) .

امامان ، نسبت به نام حضرت رسول و حضرت فاطمه ، با احترام و تقدیس یاد می‌کردند . رسول خدا صلی الله علیه و آله دست فاطمه زهرا علیه السلام را می‌بوسید ، به احترام او برمی‌خاست ، او را در جای خودش می‌نشاند ، بر دستان و دهان او بوسه می‌زد و بارها می‌فرمود : پدرت به فدایت ، پدر و مادرم به فدایت . (106) .

امام کاظم علیه السلام فرمود : در خانه‌ای که نام محمد ، احمد ، علی ، حسن ، حسین ، فاطمه باشد ، فقر وارد نمی‌شود . (107) .

سکونی در دیدار با امام صادق علیه السلام وقتی به آن حضرت خبر داد که خداوند به او دختری عطا کرده است ، حضرت پرسید : او را چه نامیده‌ای ؟ گفت : فاطمه . امام فرمود : آه ، آه . سپس دست بر پیشانی خویش نهاد . . . آنگاه به او توصیه کرد : حال که نامش را فاطمه نهاده‌ای ، به او ناسزا مگو و او را مزین . (108) .

نامگذاری فرزندان به نامهای خاندان پیامبر و توجه دادن به آثار و برکات دنیوی و ثواب اخروی این نامها و توصیه اهل بیت به اینگونه نامگذاری و نقشی که این نامها در شکل دادن به شخصیت فرزندان دارد ، در ایجاد این رابطه و محبت مؤثر است . (109) .

در سالهای اخیر نسبت به برخی از مناسبتها مثلا ایام فاطمیه یا روز زن ، در مورد حضرت فاطمه علیها السلام بیش از گذشته ، کار فرهنگی و تبلیغی و گرامیداشت انجام شده است ، یا نسبت به امام زمان علیه السلام . این است که می بینیم به همین تناسب ، محبت حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت مهدی عج و گرایش به این دو نسبت به گذشته بیشتر شده است ، بخصوص در میان جوانان . گرایش به عزاداری برای امام حسین علیه السلام و شورروزافزون ایام عاشورا نیز ریشه در همین تکریم ها و ترویجها دارد . برخوردار امام راحل و مقام معظم رهبری با این مساله ، مایه پرشوری این تعظیم شعائر در میان مردم و جوانان شده است .

کسانی که به هر نحو و جهتی مورد توجه افراد و بویژه جوانان در جامعه اند و حرفها ، طرفداریها ، موضع گیریها و یادکردن هایشان برای دیگران الگوست و افراد را به سمت و سویی خاص سوق می دهد ، اگر از اهل بیت ، یاد کنند و با شور و شوقی و احترام و تعظیمی نام ببرند در دیگران تاثیر می گذارد . مثلا آنکه یک چهره علمی ، سیاسی ، ادبی ، عرفانی ، هنری ، ورزشی و . . . است و مورد توجه عامه و جوانان است ، وقتی از دین ، نماز ، شهید ، اسلام ، قرآن ، اهل بیت یاد کند و با احترام برخورد کند ، در افرادی که به این الگوها و چهره ها دل بسته اند و دنباله رو اینها می آیند ، محبت ایجاد می کند . همچنان که در بعد منفی هم اثر منفی دارد . اگر چهره های یاد شده ، مثلا از یک شخص ، از یک جنس و کالا ، از یک مکتب و مرام ، از یک سنت و مراسم ، از غرب و اروپا ، از فلان کتاب و فلان شاعر و فلان برنامه تلویزیونی و فیلم سینمایی و . . . تعریف کنند یا خود را طرفدار آن جلوه دهند ، در بعد تبلیغی و گرایش به سوی آنها مؤثر است . پس باید از این جنبه و حس تقلید پذیری کودکان و نوجوانان که به دهان و رفتار دیگران نگاه می کنند و الگو می گیرند ، در مسیر اهل بیت علیهم السلام استفاده

مثبت کرد و از حالت «همانند سازی که در بحث الگوها مطرح است ، برای جذب آنان به معصومین و اهل بیت ، بهره گرفت .

مثلا دیدن عکس امام امت در حال بوسیدن حرم و ضریح ، ایجاد محبت به صاحب حرم می کند ، چون عمل امام برای دیگران الگو و تاثیرگذار است .
یا ذکر این نکته که علامه طباطبایی روزه خود را با بوسه زدن بر ضریح حضرت معصومه علیها السلام افطار می کرد ، و وقتی تابستانها به مشهد مشرف می شد ، وقتی از او تقاضا می کردند در اطراف مشهد ، جای خوش آب و هواتری اقامت کند ، قبول نمی کرد و می فرمود : ما از پناه امام هشتم جای دیگر نمی رویم ، .

بیان این که حضرت امام قدس سره وقتی قم بود ، پیوسته هر غروب حضرت معصومه علیها السلام را زیارت می کرد و در ایام اقامت در نجف ، هر شب به زیارت حرم مولا مشرف می شد ، .

بیان حالتهای خاص علامه امینی در هنگام زیارت و حالت شوقی که به اهل بیت علیهم السلام و علی علیه السلام داشت و با چشمی اشکبار و شور و حالی تماشایی حضرت امیر علیه السلام را زیارت می کرد ، .

یا اشاره به اینکه آیه الله بروجردی به آستانه حضرت معصومه سفارش کرد که اسم مرا هم جزو خدام افتخاری حضرت معصومه علیها السلام بنویسید ، (هم اکنون نیز برخی از مراجع تقلید در قم ، جزو خدام افتخاری این آستانه اند و در جلسات خدام افتخاری شرکت می کنند) .

یا اینکه به شیخ انصاری گفتند شما آستان حضرت ابوالفضل رابوسید ، تا مردم به کار شما نگاه کنند و ادای احترام بیشتر به آن حضرت کنند و تشویق شوند ، فرمود : من آستان حضرت ابوالفضل را نه به خاطر اینکه آستان اوست ،

بلکه به خاطر اینکه جای پای زوار آن حضرت است می‌بوسم و افتخار می‌کنم .
.. ذکر اینگونه نمونه‌ها در دل افراد دیگر هم اثر می‌گذارد و محبت می‌آفریند .
حضرت امام خمینی قدس سره که محبوب دلها و الگوی همه است ، در
مقدمه وصیتنامه خویش ، با تعبیر مکرر «ما مفتخریم که ...» به پیروی از
مذهب شیعه ، به داشتن نهج‌البلاغه ، ادعیه حیات‌بخش ائمه ، مناجات شعبانیه ،
دعای عرفه ، صحیفه سجادیه ، صحیفه فاطمیه ، امامت ائمه دوازده‌گانه ، وجود
امام باقر ، جعفری بودن مذهب و ... مباحثات و افتخار می‌کند . وقتی شخصیت
عظیمی همچون امام ، با افتخار از ائمه و مذهب و ادعیه و صراط‌شیعه و ... یاد
می‌کند ، در ذهن شیفتگان او نیز تاثیر می‌گذارد و این محبت به دل آنان نیز نفوذ
می‌کند (ما مفتخریم که باقرالعلوم ، بالاترین شخصیت تاریخ ... از ماست ، ما
مفتخریم که ائمه معصومین ... ائمه ما هستند ، ما مفتخریم که مذهب ما جعفری
است ...) .

اینگونه یادکرد بزرگان و چهره‌های محبوب ، از بزرگان دین و اهل بیت ،
محبت می‌آفریند .

طبعا زبان و بیان خاص مربوط به نوجوانان و جوانان ، چه در سخن‌ها و چه
در نوشته‌ها باید مراعات شود و افق فکر و سطح معرفت کودکان در نظر گرفته
شود ، چه در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی ، چه در صبحگاهها و مراسم
جشن و عزا ، در خانه‌ها ، مدارس و مساجد و هیئت‌ها .

9- برپایی مراسم و تعظیم شعائر

نحوه برخورد بزرگترها با مناسبت‌های ویژه اهل بیت، در فکر و روح کودکان هم مؤثر است. برپایی مراسم جشن یا سوگواری، شرکت کردن و شرکت دادن در چنین برنامه‌هایی مؤثر است. در سایه اینگونه تعظیم‌شعائر، آن فرهنگ دینی و علقه‌های ولایی پابرجا می‌ماند و تقویت می‌شود. امامان معصوم علیهم‌السلام نیز از این شیوه بهره می‌گرفتند و به آن توصیه می‌کردند. برای پیروان اهل بیت، تکریم مناسبت‌هایی همچون ایام عاشورا و روز غدیر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهل بیت، به این دو مناسبت بسیار بها می‌دادند. «غدیر خم را یک عید بزرگ اسلامی می‌دانستند و به‌روزه و عبادت و تبریک‌گویی و دید و بازدید و شادمانی و پوشیدن لباس نو و احترام این روز دستور می‌دادند، تا در ذهن شیعه، به عنوان یک روز مهم و به یادماندنی باقی بماند. (110).

نسبت به ایام عاشورا نیز، مراسم گرفتن در خانه‌ها، مدرسه‌ها، ادارات، بازارها و... مؤثر است. در بسیاری از خانه‌ها و خانواده‌ها که مراسم دیرین و درازمدت «روضه خانگی برقرار می‌شود، معمولاً افراد آن خانه با حب اهل‌بیت بار می‌آیند و این محبت و ولا را به عنوان یک گوهر، حفظ می‌کنند.

حتی ترویج مسائلی همچون اطعام، احسان، وقف، نذر، هدیه در راه‌اهل بیت، به رسوخ این محبت در قلوب، کمک می‌کند. حفظ سنت‌های دینی در خانواده‌ها و گسترش آن به مدرسه‌ها، مجتمع‌ها و مجموعه‌های انسانی، می‌تواند مفید باشد.

برگزاری جشنهای میلاد امام زمان علیه السلام در این میان اهمیت خاصی دارد و ایجاد شوق به مناسبت تولد امامی که هنوز هم زنده است و حاضر و ناظر بر ماست و ما چشم به راه آمدن اویم ، بعد عاطفی و عشق آفرینی بیشتری دارد . زمینه آن نیز به طور طبیعی در میان کودکان و نوجوانان وجود دارد و نیمه شعبان خاطره‌ای فراموش نشدنی برای آنان است .

10- استفاده از حس کمالجویی

مردم به «کمال» و «جمال» گرایش دارند. کمال جویی انسانی، بویژه در سنین نوجوانی و جوانی سبب می‌شود به سوی انسانهای برتر، ابر انسانها، الگوهای قدرت و علم و شهرت و محبوبیت جذب شوند و حس قهرمان‌گرایی خود را در عشق ورزیدن به آن الگوهای آرمانی ارضاء کنند و اگر هم چنین الگوها و قهرمانهایی وجود نداشته باشند، آنها را می‌سازند و می‌پردازند، حتی در خیال خویش. نظریه قهرمان‌گرایی برای کمال، بخصوص در قشر جوان و نوجوان، امری روشن است، فرد، بویژه در نوجوانی همواره به قهرمان توجه دارد و «اگر بدان دسترسی نداشته باشد، حتی در عالم خیال و رؤیا از بسیاری از جهات او را الگو و مدل رفتار خویش قرار می‌دهد و از تصور خاص خود از او، از رفتار او، از گفتار او، از طرز لباس پوشیدن و از قیافه و هر چیز مرتبط با او الهام می‌گیرد. قهرمان منتخب، کعبه انطباق رفتار نوجوان است.⁽¹¹¹⁾ «قهرمانان، خدایان زمین‌اند. بشر در آنان نیز قدرت، کمال و جمال آسمانی یا می‌جوید یا به آنان نسبت می‌دهد. بتی با دست خویش می‌تراشد، صفتهای خدایی به او نسبت می‌دهد و آنگاه معبود خود ساخته‌اش را می‌پرستد».⁽¹¹²⁾

حال که چنین است، هر چه این قهرمانان و الگوها، متعالی‌تر، کامل‌تر، آسمانی‌تر و خدایی‌تر و بی‌عیب‌تر باشند، مدار جاذبه قوی‌تری ایجاد می‌کند و این کشش و محبت، سازنده‌تر خواهد بود.⁽¹¹³⁾

باید از حس آرمان‌گرایی بهره گرفت و توسط اهل بیت، این خلا را پر کرد. اهل بیت از نظر قدرت جسمی، قدرت روحی، کرامات و معجزات، اتکاء به

قدرت خدا، برخورداری از علم لدنی و الهی، فضیلت و کمال، از همه انسانها برترند. مظهر کمال و جمال الهی اند.

طرح شجاعتها، فضایل و معجزات و کراماتشان، شفا دادن‌ها و رفع مشکلات و مقام شفاعت نزد خداوند و رفع حاجت توسل جویندگان، در ایجاد علاقه نسبت به آنان مؤثر است. وعاظ و مرثیه خوانانی که در ایام سوگواری، از حوادث عاشورا سخن می‌گویند و با ذکر مصائب و مظلومیت اهل بیت، دلها را به سوی آنان جذب و معطوف می‌کنند، اگر در کنار این‌شداید، از رشادتها و قهرمانی‌های شهدای کربلا هم بگویند، آن چهره‌ها محبوب‌تر می‌شوند. گاهی خود افراد به واعظ می‌گویند: از شجاعت و رزم‌آوری عباس و علی اکبر و امام حسین برایمان بگو. این نشان‌دهنده این است که بیان ابعاد حماسی این الگوها، جامعیت و کمال بیشتری را در ذهن مخاطب، ترسیم می‌کند و بر علاقه‌ها می‌افزاید.

البته از معجزات و کرامات، باید آنهایی را برای کودکان و نوجوانان گفت که قابل فهم و هضم برای آنان باشد.

اگر جوانان و کودکان، شیفته انسانهایی می‌شوند که از نظر علمی، فنی، نبوغ ادبی، ورزشی جسمی، شجاعت و توانمندی، روحیه‌های والا، زیبایی، بخشندگی و جوانمردی در سطح بالایی قرار دارند، باید گفت که اهل بیت، از نظر علم، زهد، قدرت، فصاحت و بلاغت، شجاعت و سخاوت، کمال صورت و سیرت، عبادت و عرفان، زیبایی و جمال ظاهری، مردانگی و گذشت و احسان، صبر و مقاومت از همه انسانها برتر و بالاترند. طرح آنان بعنوان چهره‌های آرمانی، محبتشان را در دلها می‌آفریند. کدام مشخصه و

خصلت و فضیلت جاذبه‌آفرین و دوست داشتنی و محبت‌آور رامی‌توان نام برد که حد اعلا و بالاترین مرتبه آن در اهل بیت عصمت، تجلی نداشته باشد؟ در حدیثی، امام رضا علیه السلام در توصیف دین و مرام ائمه اهل بیت، چنین می‌فرماید:

«و ان من دینهم الورع والعفة والصدق والصلاح و الاجتهاد و اداء الامانة الى البر والفاجر و طول السجود والقیام باللیل واجتناب المحارم و حسن الصحبة و حسن الجوار و بذل المعروف و كف الاذى و بسط الوجه والنصيحة والرحمة للمؤمنين . (114) .

پرهیزکاری، پاکدامنی، راستگویی، شایستگی، تلاش، امانت‌داری نسبت به نیک و بد، سجود طولانی، شب‌زنده‌داری، پرهیز از حرامها، معاشرت خوب و رفتار مناسب با همسایه، بخشش نیکی، پرهیز از آزار، گشاده‌رویی، خیرخواهی و رحمت برای مؤمنان، از دین و مرام ائمه است.

در زیارت جامعه، اوصاف برجسته و فضایل ارجمندی از امامان نقل شده است. از جمله اینکه: هرگاه خیر و خوبی یاد شود، اول و ریشه و شاخه و منبع و جایگاه و منتهای آن هستید و هر نیکی از شما آغاز می‌شود و به شما پایان می‌گیرد. (115).

شما راه خدا را باز کردید شهادت را شما آغاز کردید

فدا کردید جان، تا دین بماند به خون خفتید، تا آیین بماند

اهل بیت عصمت، محبوب‌ترین انسانها، ارزنده‌ترین دوستها، زینده‌ترین محبوبه‌ایند که جامعیت بی‌نظیر نسبت به همه خوبیهای اخلاقی و رفتاری دارند و آنچه خوبان همه دارند، اهل بیت به تنهایی دارند و بهترین چهره‌های دوست داشتنی و عشق ورزیدنی‌اند. در حدیث امام صادق علیه السلام است که سه چیز

محبت‌آور است: دین، تواضع، بذل و بخشش. ⁽¹¹⁶⁾ امامان شیعه و اهل‌بیت، هم محور و مدار دین و آیین‌اند، هم با همه مقام و مرتبه‌ای که دارند در تواضع و فروتنی پیشتازند و هم در سخاوت و داد و دهش سرآمد مردم روزگارند. یاد کردن از نمونه‌های اخلاقی امامان و از تواضع، جود و بخشندگی آنان، علاقه‌مندی به آنان را می‌افزاید.

روزی معاویه، یکی از بانوان شجاع و شیفته علی بن ابی‌طالب علیه السلام به‌نام «دارمیه حجونی را احضار کرد. از او پرسید: می‌خواهم بدانم بر چه اساس و جهتی علی را دوست می‌داری و با من دشمنی؟ پاسخ داد: علی رابه آن جهت دوست دارم و به ولایت او دل بسته‌ام که او در میان مردم به عدالت رفتار می‌کرد، حقوق را مساوی تقسیم می‌کرد، پیامبر او را به ولایت برگزیده بود، دوستدار محرومان بود، دینداران را گرامی می‌داشت و تو را نیز به خاطر جنگیدن با علی علیه السلام که سزاوارتر از توست، و به خاطر ستمگری، حکومت هوسرانانه و قضاوت جائرانه‌ات دشمن می‌دارم. ⁽¹¹⁷⁾

جلوه‌های برجسته اخلاقی و رفتاری علی علیه السلام آنگونه است که آن بانوی دلیر را هوادار وی ساخته است. فضیلتها همواره جاذبه دارد.

11- معرفی ولی نعمتان

ما از هر کس که احسان و نیکی ببینیم ، به او محبت پیدا می‌کنیم (الانسان عبید الاحسان) . طرح نیکی‌ها و احسانها و فواید و نعمتهایی که از سوی ائمه به ما رسیده است ، در ایجاد محبت مؤثر است . آنان واسطه فیض الهی‌اند ، وسیله قضای حاجات ما از درگاه خدا می‌شوند ، هدایت‌کننده و پیشوای دینی مايند ، به وسیله آنان در مسیر توحید ناب و راه درست و صراط مستقیم قرار گرفته‌ایم . صاحب و ولی نعمت ما آنهايند (بیمنه رزق الوری) . توجه داشتن و توجه دادن به نعمت و شناخت صاحب‌نعمت ، محبت‌آور است .

خداوند به حضرت موسی وحی فرمود که مرا دوست‌بدار و مردم را هم دوستدار من کن . گفت : خودم دوستت دارم . با دل مردم چه کنم ؟ خداوند وحی فرمود که آنان را به یاد نعمتهای من بینداز «فذكرهم نعمتی و آلائی (118) . در بخش عمده‌ای از آیات و احادیث ، نعمتها و احسانهای الهی در حق بشر برشمرده شده است . اینها زمینه خدادوستی و خداپرستی را درانسان پدید می‌آورد .

در حدیث دیگر است که خدا به حضرت داود چنین وحی کرد . داود عرض کرد : خودم به تو محبت دارم . مردم را چگونه دوستدار تو سازم ؟ «فکیف احببک الی خلقک ؟» . خداوند فرمود : از راه یادآوری نعمتهایم ، مرا محبوبشان ساز «اذکر ایادی عندهم فانک اذا ذكرت ذلک لهم احبونی (119) .

در روابط خانوادگی نیز ، گاهی برای ایجاد محبت و کشش در میان کودکان نسبت به بعضی از فامیل ، یادآوری می‌کنند که : او که برایت فلان چیز خرید ، تو

را به گردش برد و . . . چنین و چنان کرد . یادآوری خوبیها وانعامهای آنان نسبت به کودکان ، ایجاد جاذبه و علاقه می کند .

ائمه نیز حق زیادی بر ما دارند و ما هر چه داریم ، بخصوص نعمتها ومواسب معنوی و دینی از این خاندان است و آنان واسطه فیض خدا بر بندگانشان و باید اینها یادآوری شود تا محبت بیافرینند . در زیارت جامعه دربارہ نقش رحمت آور اهل بیت در عالم تکوین می خوانیم :

«بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه .

خداوند به سبب شما آغاز کرد و به شما ختم می کند ، به خاطر شما باران و ابر می فرستد ، و به سبب شما آسمان را نگه می دارد که جز با اذن او بر زمین نیفتد .

و در مورد نقش هدایتی و ارشادی و دین آموزی آنان و جایگاهشان در تبیین دین ، می خوانیم :

«بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا و اصلح ما کان فسد من دنیانا و بموالاتکم تمت الکلمة و عظمت النعمة و اتلفت الفرقة و بموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة .

به سبب موالات و دوستی با شما ، خداوند نشانه های دینمان را به ما موخت و آنچه از دنیایمان تباه شده بود اصلاح کرد ، به سبب موالات شما سخن تمام شد و نعمت ، عظمت یافت و تفرقه ها به همدلی گرایید ، با موالات شما طاعت واجب الهی قبول می شود .

اهل بیت ، معلمان دین و مرشدان حیات و راهنمایان زندگی مایند و اگر به توحید و اسلام ناب دست یافته ایم ، در سایه تعالیم آنان است و مدیون آنانیم . خدا را بر این نعمت و منت باید شاکر بود . به این خاندان هم باید عشق ورزید .

امام صادق علیه السلام درباره اهل بیت علیهم السلام فرمود :

«لولا هم ما عرف الله عزوجل . (120)»

اگر آنان نبودند ، خدای متعال شناخته نمی شد .

امام امت قدس سره به صورت اکید ، یادآور این بودند که دین ما ، انقلاب ما ، پیروزی ما و ملت ما همه مدیون ابا عبدالله الحسین علیه السلام و عاشورا است . تعابیری از قبیل : «این خون سیدالشهداست که خونهای همه ملت‌های اسلامی را به جوش می آورد» ، «محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است ، «فداکاری سیدالشهداست که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است ، «اگر قیام حضرت سیدالشهدا نبود ، امروز ما هم نمی توانستیم پیروزشویم ، «شهادت حضرت سیدالشهدا مکتب را زنده کرد» ، «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است ، همه توجه دادن به نعمت معنوی اهل بیت نسبت به امت ماست و این سبب می شود که خود را رهین این نعمت بشناسیم و محبت اولیای دین در دلمان بیشتر شود .

نعمت ولایت و محبت ، از بزرگترین نعمتهاست . در یادآوری نعمتها تنها به نعمتهای مادی نباید اکتفا کرد . نعمتهای معنوی که اغلب به چشم نمی آید و مورد غفلت قرار می گیرد نیز باید یاد شود تا قدر آنها شناخته گردد . همین که ما آشنا و دوستدار این خاندانیم و محبت آنان را در دل داریم ، نعمت عظیمی است که با هیچ چیز قابل مبادله نیست . امامان خودشان نیز گاهی دوستداران را به ارجمندی و فضیلت این نعمت معنوی توجه داده اند و آن را بزرگترین برخورداری و ثروت دانسته اند .

12- ذکر فضایل و فرهنگ و تعالیم اهل بیت علیهم السلام

مردم ، آرمان‌گرا و قهرمان دوستند و در پی فرزاندگیهایند . در غرب ، درباره شخصیتها و چهره‌های ملی و علمی‌شان ، آن‌قدر کتاب و مقاله‌می‌نویسند ، فیلم و مجسمه‌می‌سازند و تبلیغات می‌کنند ، تا آن چهره را در نقش الگو و قهرمان در ذهن و دل ملت خود جا دهند . ما چرا درباره بزرگان دینمان که بسیار ارزنده‌تر و شایسته‌ترند چنین نکنیم ؟ اگر مردم شخصیت و فضیلت و فکر و فرهنگ امامان اهل بیت علیهم‌السلام را بشناسند و با سخنان بلند آنان آشنا شوند ، به آنان علاقه پیدا می‌کنند و این علاقه به تبعیت و همسویی می‌کشد . امام رضا علیه‌السلام در حدیثی فرموده است :

«ان الناس لو علموا محاسن كلامنا لاتبعونا» ⁽¹²¹⁾ .

مردم اگر خوبیهای حرفها و تعالیم ما را بشناسند از ما پیروی می‌کنند . ترویج احادیث اهل بیت و مسابقات حفظ حدیث در این زمینه مفید است . استفاده از «چهل حدیث های گوناگونی که از سوی برخی ناشران در موضوعات مختلف تدوین و منتشر شده است ، جهت این کار پیشنهاد می‌شود . برنامه حفظ این چهل حدیث‌ها یا احادیث دیگر نیز مفید است . انتخاب مفاهیم و موضوعات برای گفتن به کودکان و جوانان بسیار مهم است . در احادیث امامان بسیاری نکته‌ها و معارف نهفته است ، ولی همه آنها قابل گفتن برای همه نیست . گاهی برای مخاطب قابل هضم نیست ، به جای جاذبه ، دافعه دارد و به جای گرایش به مکتب اهل بیت ، فراری می‌دهد و به جای روشنگری

اذهان ، شبهه می‌آفریند . در انتخاب هم باید ذوق و خرد داشت و زمینه و ظرفیت‌ها را سنجید و این نکته بسیار مهم است .

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خویش به نام مدرک بن هزه از فرمود : ای مدرک ! به یاران ما سلام برسان و بگو : رحمت خدا بر کسی که مودت مردم را به سوی ما بکشد ، به آنان سخنانی از ما بگوید که آنرا می‌شناسند و می‌پذیرند و آنچه را حالت انکار و عدم پذیرش دارند نگوید . (122).

باید جوانان و نوجوانان ، شیرینی کلام اهل بیت و عمق حکمت‌های آنان را دریابند تا از طریق سخنانشان ، شیفته شخصیتشان شوند . در این مورد ، کلمات قابل فهم تر ، ترجمه‌های شیوا و دلنشین و روان و انتخاب موضوعات کاربردی ، و چاپ زیبا و جذاب مؤثر است . گاهی باید از طریق شکل ، مخاطب را به «محتوا» جذب کرد .

اینکه چگونه مردم و جوانان و بشریت را با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام باید آشنا کرد ، نکته ظریفی است و باید از تکنیک هنر استفاده کرد و در عرضه محتوای کلامی و حیاتی ائمه علیهم السلام به نسل امروز از قالب‌های نو و جاذبه‌های هنری و شیوه‌های اثرگذار بهره گرفت . کار رسانه‌ها در این جهت مهم است و متأسفانه اغلب ، ضعیف و غیرجذاب ارائه می‌شود .

فضایل اهل بیت علیهم السلام در دو محور قابل طرح است :

1 - جهات آرمانی و خلقت و طینت و سرشت متعالی و نور خدایی و ...
این بخش از فضایل ، گرچه ارزشمند است و مقام آنان را نزد خدا آشکار می سازد ، ولی چون جنبه عملی و سرمشق گیری و تاسی در آنها نیست ، کمتر اثر تربیتی و جاذبه عملی دارد . گاهی هم برای نوجوانان غیر قابل هضم و درک است .

2 - جهات عملی و قابل اسوه گیری و تبعیت عینی و ملموس از رفتار اهل بیت علیهم السلام .

آشنا ساختن نوجوانان و جوانان با «سیره معصومین و زندگی ائمه بسیار لازم و مفید است . اینجا آشنایی با تاریخ به کار می آید . شیوایی قلم و جاذبه و هنرمندانه بودن نگارش نیز نباید از یاد برود . ذکر نمونه هایی از صبر ، ایثار ، عفو ، تواضع ، عبادت ، شجاعت ، اخلاص ، عطا و بخشندگی ، فتوت و جوانمردی ، حسن خلق ، علم و حلم ، کیفیت نماز و روزه و تهجد و حج و اعمالشان ، همه و همه بسیار سودمند است . بخصوص حکایاتی از اهل بیت که نوعی برخورد خوب و شایسته و احترام آمیز با نوجوانان را دربردارد ، تاثیر گذارتر است . مثلاً قصه پیرمرد و امام حسن و امام حسین و کیفیت وضو یاد دادن ، یا رفتار پیامبر با کودکان و سلام دادن به آنان ، یا بغل کردن و بوسیدن کودکان خردسال مؤمنین .

معرفی کودکان اهل بیت و جاذبه های رفتاری آنان برای کودکان ماتاثر گذارتر است و این سنخیت در سن و سال ، بیشتر جاذبه می آفریند .

محبت در دل نوجوانان اگر بصورت یک بذر کاشته شده باشد ، با ذکر نمونه‌های خوب اخلاقی و سیره اهل بیت علیهم‌السلام باید آن را آبیاری کرد ، تا هم خشک نشود ، هم رشد کند و ثمرات بیشتری دهد . این ، سبب تعمیق محبت می‌شود . ⁽¹²³⁾ مطالب ارزشمندی که در کتابهای معتبر و اصیل نهفته ، باید استخراج شود تا نسل نوجوان امروز هم از آن ذخایر بهره‌مند شوند .

انتخاب شعرهای ناب ، زیبا و روان درباره شخصیت امامان و اهل بیت ، نیز خواندن و اجرای دلنشین و شیرین آنها ایجاد محبت می‌کند . از میان انبوه قصاید و اشعار ولایی ، باید دست‌به‌گزینش زد . آگاهی و ذوق لطیف ، در این گزینش بسیار نقش دارد . در این مساله نیز ، همچون برنامه‌های دیگر فرهنگی و هنری برای کودکان و نوجوانان ، توجه به نکات روانشناسی و روحیات ویژه این مقطع سنی و تحصیلی ضروری است .

13- گره زدن خوشیهای زندگی به حیات ائمه علیهم السلام

خوش آمدن از چیزی ، علاقه ایجاد می‌کند . باید کوشید شخصیت وزندگی و خاطره اهل بیت و مراسم و مجالسشان در ذهن کودکان خاطره‌خوشی برجای بگذارد . با استفاده از قضیه شرطیه (قضیه پاولوف) به نحوی عمل کنیم که با دیدن چیزی و خاطره‌ای ، پیوند با اهل بیت علیهم‌السلام مطرح شود . جشن گرفتن و شیرینی و عیدی دادن‌ها و جشن تکلیف گرفتن و اعطای مدال و اهدای جوایز و تشویقها اگر در روز تولد معصومین علیهم‌السلام باشد ، خواه‌ناخواه تاثیر غیرمستقیم دارد . گره خوردن یک خاطره خوش با اهل بیت علیهم‌السلام ، مثلا شبها یا روزهای میلاد ائمه علیهم‌السلام ، در خانه‌ها و مدرسه‌ها مان باید یک حادثه خوب یا خاطره

خوش و برنامه جاذبه‌داریش آوریم ، مثلا در مناسبت‌های مربوط به اهل‌بیت با یک جعبه شیرینی به خانه رفتن ، روز تولد امامان یک جعبه شیرینی در دفتر مدرسه گذاشتن و به همین مناسبت‌ها در خانه و مسجد و محله و مدرسه ، جشن گرفتن ، سبب می‌شود این مناسبت‌ها از یاد نرود و این شادی‌ها با این ایام و نام و یاد اهل‌بیت ، حالت شرطی پیدا کند .

کسی می‌گفت : با فرزند کوچکم به مسجد و برای نماز جماعت رفتیم . بین دو نماز ، شیرینی به افراد دادند . فردا شب پسرم گفت : بابا ! مسجد نمی‌رویم ؟ از آن پس هر وقت او را به مسجد می‌برم ، اگر شیرینی و . . . نبود ، وقتی بیرون آمدیم حتما برایش شکلات می‌خرم ، تا پیوند مسجد آمدن با برخورداری از یک چیز دوست‌داشتنی در ذهن او گسسته نشود و علاقه به مسجد و نماز ، تداوم یابد .

رسول خدا ﷺ فرمود : «الهدية تورث المودة»⁽¹²⁴⁾ هدیه ، محبت می‌آورد . اگر این هدیه در ارتباط با خاندان عصمت و اهل‌بیت باشد طبیعی است که محبت آنان را در پی خواهد داشت .

در هر برنامه دینی و مذهبی می‌توان از این شیوه برای ایجاد علاقه استفاده کرد ، مثل نماز جمعه ، جلسه دعا یا سخنرانی ، شرکت در مراسم مذهبی و مجالس سوگواری یا مسجد و نماز جماعت . در مناسبت‌های ویژه‌ای نیز اگر از این شیوه استفاده شود ، در ایجاد جاذبه مؤثر است .

دیده از اشک و دل از داغ و لب از آه پر است عشق در هر گذری رنگ دگر می‌ریزد⁽¹²⁵⁾

14- پرهیز از عوامل محبت‌زدا

در کنار برنامه‌های محبت‌آفرین، از کارهای نفرت‌آفرین هم باید پرهیز کرد. گاهی برخی حرکات، رفتارها، برخوردها، حرف‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌ها، مانع پیدایش «پیوند محبت می‌شود و به عنوان عامل منفی و ضد تبلیغ اثر سوء می‌گذارد و عامل دفع می‌گردد. مثلاً اگر مجالس حسینی خسته‌کننده و ملال‌آور شود، یا سر و صداهای آن برای دیگران مزاحمت و سلب آسایش داشته باشد، یا با کودکان در محافل اهل بیتی بد رفتاری و برخورد سبک و تحقیرآمیز و از روی بی‌اعتنائی و طرد انجام گیرد، یا اینگونه کارهای مذهبی به صورت تحمیلی و اجباری درآید، یا توسط افراد بد اخلاق، بد قیافه، بد صدا، بد سابقه و بد رفتار، ژنده و ژولیده و چرک‌آلود انجام شود، اینها به عنوان «مانع ایجاد محبت یا موجب بدبینی و تنفر و رمیدن و گسستن می‌گردد.

سعدی در مورد کسی که با صدای گوش‌خراش و بد قرآن تلاوت می‌کرد، گفته است:

گر تو قرآن بدین نمط خوانی بی‌ری رونق مسلمانانی

از این رو، گاهی هم برای ایجاد محبت یا استمرار محبت نسبت به اهل بیت، باید عوامل منفی و موانع را زدود، تا جاذبه فراهم‌آید و علاقه پیدا کنند. شیوه جذب بسیار مهم و حساس است.

بعضی‌ها مثلاً در شبهای محرم ، پس از نیمه شب هم از صدای بلندگوی مسجد یا حسینیه ، خواب و آسایش ندارند ، یا بیمار دارند ، یا شب‌درسی و امتحانی است و . . . در این صورت ، این تبلیغ به ضد تبلیغ تبدیل می‌شود و از عزاداری بیزار می‌شوند .

امام امت و مقام معظم رهبری ، به خاطر تاثیر منفی قمه‌زنی در اذهان دیگران ، فتوا دادند که به خاطر مصالح اسلام و شیعه ، از این کار خودداری شود ، چون بعضی از همین کار زده می‌شوند و به دستگاه حسینی جذب نمی‌شوند و بهانه‌ای برای تبلیغات سوء دشمن می‌شود .

15- ایجاد فضای روحی و معنوی

یکی از راهها، پدید آوردن صحنه‌ها و فضاهایی است که بچه‌ها در شرایط روحی خاصی قرار بگیرند و بتدریج حس درونی آنان بیدار شود و جذب گردند. چه بسا اگر کودکان (و حتی بزرگان) را به حال خود رها کنیم، به این سمت و جهت کشیده نشوند و به مجالس دعا و توسل نیایند. ولی اگر ترتیبی دهیم که در این فضا قرار گیرند، جذب می‌شوند. مثلاً اردوهای فرهنگی و زیارتی و دیدارها از حرما، زیارتگاهها، شرکت در مجالس دینی و دعا و توسل و عزاداری و ملاقات با شخصیت‌های معنوی و اهل بیته، ایجادکننده یا محکم کننده این رشته و رابطه است.

این همه اردوهای سیاحتی و زیارتی در طول سال، بویژه در تعطیلات تابستانی تشکیل می‌شود و دانش‌آموزان مثلاً به قم، شیراز، مشهد، جمران، مرقد امام و امثال آن می‌روند، تنها تماشای ساختمان و در و دیوار و گنبد نباشد، همراه این دیدارها تغذیه فکری و روحی شوند و مطلب یاد بگیرند و الگو بگیرند و عشقها و علاقه‌هایشان را به این خاندان پیوند بزنند. دیدار با شخصیت‌هایی که تاثیرگذارند، در صورت امکان حتماً در برنامه این سفرها و اردوها قرار بگیرند. شرکت در مجالس با حال همینطور است. قرار گرفتن در جمع «دوستان اهل بیت، این حس و حالت را ایجاد می‌کند، مثل هر جمع دیگری که فضا و روحیه جمعی در افرادی که وارد آن جمع می‌شوند، مؤثر است.

مجالس سوگواری و دعا و حضور در حررها و زیارتگاهها بسیار مهم است . در مجالس عزا و نوحه ، عواطف بر محور محبت اهل بیت به جوش می آید ، دلها شکسته می شود ، اشکها جاری می گردد و گریه ، افراد را باخاندان پیامبر گره می زند و مرتبط می سازد . گریستن در مجالس سوگواری ، دلها و عاطفه ها را هم تلطیف می کند ، هم تقویت . در حالت عادی یا فردی ، ممکن است نه دل بسوزد ، نه اشک جاری شود ، نه انقلاب روحی دست دهد . ولی تاثیر جو عاطفی و معنوی یک جلسه و مراسم وحس عمومی و گروهی حاضران را هم آوا می سازد و معبر دل را باز می کند .

اینگونه مجالس ، اگر در خانه و مدرسه و محله برگزار شود و نوجوانان دربرپایی آن و انجام خدمات و کار برعهده گرفتن و همکاری و . . . مشارکت داشته باشند ، آنان را دوستدار بار می آورد .

زیارت نیز از همین مقوله هاست . همچنانکه دیدار حضوری با یک انسان والا و پاک ، مؤثر است ، حضور در کنار تربت معصومین و حرهای مقدس نیز ، پاکساز روح است و شوق آفرین . اگر محبت و معرفت باشد ، «شوق زیارت هم در پی آن است و اگر به زیارت رویم ، خود زیارت ، محبت آور است و زیارت و محبت در یکدیگر تاثیر متقابل می گذارند . محبت ، زیارت را در پی دارد و زیارت ، محبت را . نزدیکی مادی و فیزیکی ، قرابت روحی را هم به دنبال می آورد . برعکس ، گریز و دوری از چنین مراکز و مکانهایی ، روح را هم بیگانه و نا آشنا و گریزان می سازد . گاهی که نگاه به حرم و مزار بیفتد ، چشمه محبت می جوشد ، پس ، از تاثیر «تلاقی نگاه و حرم هم نباید غافل بود .

زیارت ، همراه است با سلام دادن به اولیاء الله . اگر زائر بداند که پیامبر یا امام یا هر یک از اهل بیت مدفون در حرم ، زائر را می بینند و می شناسند و سلامشان

را جواب می‌دهند ، محبت پیدا می‌کند . مهم ، تفهیم این نکات ظریف به کودکان و نوجوانان است .

حضور در جمع افراد بی‌حال و بی‌تعهد و هرزه ، روح انسان را به آن سمت سوق می‌دهد . برعکس ، حضور در جمع انسانهای با معنویت و مراکز مقدس و مراسم آیینی ، تقویت‌کننده بنیان معنویت است .

اگر بعضی گریزانند ، شاید به دلیل خجالت ، یا احساس بیگانگی یا به خاطر نچشیدن طعم محبت اهل بیت است . چه بسا اگر بچشند ، مشتاق شوند . مثل آنان که از غذایی نمی‌خورند ، چون تا به حال نخورده‌اند . همین‌که یک لقمه بخورند و مزه آن را بفهمند ، ادامه خواهند داد .

ایجاد فضای روحی برای کودکان در رابطه با اهل بیت به این معنی است . تاثیرپذیری از «جو» بسیار نیرومند است . چه جوی که در یک خانه و مدرسه به وجود می‌آید ، چه در سطح یک کشور و جامعه . چه مانعی دارد که توفیق اجباری برای آنان فراهم کنیم تا «جذب اختیاری را در پی داشته باشد ؟

گاهی اگر نگاه به یک بقعه و حرم یا مسجد بیفتد ، کشش ایجاد می‌کند . آیا نمی‌توان وقف درختهای میوه و توت را برای عموم ، در کنار مسجدها و حسینیه‌ها و بهره‌مندی رایگان مردم از آنها را دارای این تاثیر دانست ؟ یا اینکه در قدیم ، حیاط برخی مساجد دو در داشت که بعنوان «راه عبور» مردم استفاده می‌شد ، در همین عبور و تلاقی نگاه گاهی دلها جذب فضای روحانی و معنوی مسجد می‌شد .

حتی ایفای نقش در یک نمایشنامه یا فیلم در قالب یک چهره مقدس و در نقش اهل بیت یا وابستگان به این خاندان ، خود به خود محبت می‌آفریند و بازیگر

و هنرمند ، به آن چهره‌ها علاقه پیدا می‌کند . این نیزنوعی ایجاد فضای روحی و
معنوی نسبت به اهل بیت است . (126) .

16- معرفی کتاب و نگارش مقاله و شعر

این نوعی کار فرهنگی است که با شناختن و شناساندن کتابهای خوب ، جذاب و سازنده در مورد اهل بیت علیهم السلام ، از علاقه به مطالعه بچه‌ها استفاده کنیم . کتابی که به مسابقه می‌گذاریم یا برای تلخیص پیشنهاد می‌کنیم یا موضوعی که برای مقاله‌نویسی و شعر و قصه ، حتی عکس و نقاشی می‌دهیم ، اگر سوژه‌های اهل‌بیتی داشته باشد مفید است . با کشاندن روزنامه دیواری و فعالیتهای فرهنگی تبلیغاتی دانش‌آموزان به این سمت و سوی ، یا درخواست خاطره‌نویسی از موضوعاتی چون زیارت ، عاشورا ، نیمه‌شعبان ، شب قدر ، مجالس سوگواری و امثال اینها می‌توان به تقویت این حس و علاقه کمک کرد . (127) .

شناسایی اینگونه کتابهای موفق و جذاب و معرفی شوق‌آفرین آنها ، هم‌ذوق می‌خواهد ، هم تخصص . موضوع و سوژه دادن نیز در برنامه‌های فوق برنامه همین‌طور است .

17- قصه‌های دلدادگان

به جز داستانهایی از زندگی اهل بیت که در جای خود، تاثیر عاطفی و محبت‌آور دارد،⁽¹²⁸⁾ نقل قصه‌ها و سرگذشت‌های کسانی که شیفته این خاندان بوده و هستند و این محبت در زندگی، فداکاری، ایثار، خدمات و حالات خاص و زیارتها و توسل‌های آنان مشهود بوده، برای جذب به این خاندان و ایجاد محبت، مفید است.

داستان شیفتگی ابوذر به پیامبر خدا، عشق او پس قرن‌ها به آن حضرت، محبت‌های عمیق یاران و اصحاب حضرت علی علیه السلام به آن حضرت، نمونه‌هایی از دل‌باختگی یاران سید الشهداء، کسانی که در راه زیارت ائمه چه در حال حیاتشان یا پس از وفاتشان و نسبت به زیارت مرقد‌های ائمه، عشق و اخلاص و رنجها و تلاشها داشته‌اند، آنان که با همه سخت‌گیریهایی بنی‌امیه و بنی‌عباس نسبت به موالیان اهل بیت، همچنان به محبت آنان وفادار می‌مانند، آنان که برای زیارت کربلا از همه چیز می‌گذشتند، شیفتگان دیدار حضرت مهدی (عج) و ره‌یافتگان به وصال آن محبوب و شوق و دلدادگیهای منتظران، آنچه در ایام دفاع مقدس در حالات و روحیات و جانفشانیهای رزمندگان و شهدا جلوه می‌کرد و به خاطر کربلا و به شوق زیارت و به عشق عنایات حضرت مهدی و حضرت زهرا در جبهه‌ها حماسه می‌آفریدند و فدای این عشق مقدس می‌شدند، آنان که به خاطر عشق به اهل بیت، عظیم‌ترین خدمات و کارهای خیر و خرجها و احسانها را داشته‌اند، داستان حواریون و یاران ویژه هر یک از ائمه، و... بسیاری از اینگونه سرگذشتها و حکایات، اثر شگفت دارد،

بخصوص برای کودکان و نوجوانان که گرایش شدید به قصه دارند و از داستانها «الگو» می‌گیرند و نسبت به «قهرمان های قصه‌ها دلبستگی و علاقه پیدامی‌کنند .
البته زبان گفتاری و نوشتاری اینگونه داستانها هر چه شیرین‌تر و شیواتر و هنرمندانه‌تر باشد ، میزان تاثیر بیشتر است .

18- تشکلهای هیئتی

برنامه‌های خودجوش نوجوانان که کار گروهی انجام می‌دهند، مثل فعالیت‌هایی که در نیمه شعبان و برگزاری جشن دارند، یا تشکیل هیئت در محله و راه انداختن دسته عزاداری یا آراستن مسجد و حسینیه و تکیه و برنامه‌های ایستگاههای صلواتی آب و شربت و اطعام و احسان و... همه‌گره زنده قلب نوجوانان با تشکیلات اهل بیت علیهم‌السلام است. بچه‌ها زمینه‌های روحی دارند. اینها را باید به کار گرفت و در محله‌های مختلف از خود آنان «هیئت درست کرد تا خودشان مسؤولیت آن را به عهده بگیرند تا فعال‌تر شوند. ایام محرم یکی از مناسبترین فرصتهای ایجاد اینگونه تشکلهای هیئتی و گروه‌بندی‌های مذهبی از دانش‌آموزان بخصوص در مقطع راهنمایی و اوایل دبیرستان است. اینگونه تشکلهای مقدس، عضویت در شبکه گسترده ولایت و محبت اهل‌بیت و امام حسین علیه‌السلام، بامحوریت آن خاندان پاک است و کمتر مسائل باندی و گروهی و جناحی دارد و جاذبه‌اش فراگیرتر است.

در عاشورا و نیمه شعبان، به خاطر شور عمومی مردم، بچه‌ها جذب اینگونه مراسم می‌شوند. برای استفاده از این حس خودجوش بچه‌ها جهت دادن آن برای ایام دیگر باید سرمایه‌گذاری و وقت‌گذاری و برنامه‌ریزی کرد. وقتی بچه‌ها برای خودشان در ارتباط با ائمه علیهم‌السلام، صاحب‌علم و پرچم و هیئت می‌شوند، احساس تشخیص می‌کنند. این احساس تشخیص، در آنان ایجاد مسؤولیت و تعهد می‌کند و آنان را با اهل‌بیت، مرتبط می‌سازد، چون حس

می‌کنند که در این رابطه‌ها ، شخصیت و هویت مستقلی یافته و مورد توجه قرار گرفته و به حساب آمده‌اند .

پرچم و علم و کتیبه و هیئت ، نشانه تشخص یک گروه است و تاثیر وحدت‌بخشی و انسجام‌آفرینی و ایجاد علقه و پیوند دارد . به تعبیر شهیدپاک‌نژاد :

«با نیم‌متر چوب و نیم‌متر پارچه سیاه ، می‌توان موجی از احساسات‌بی‌دریغ درباره بزرگسالار شهیدان مشاهده کرد که در هیچ جا نمونه‌ای از آن دیده نمی‌شود؛ در حالی که برای تشکیل اجتماع حتی کوچکی باید متحمل زحمات زیادی گردید .» (129) .

دسته‌های عزاداری و هیئت‌های سنتی ، علاوه بر نقش حفظ فرهنگ عاشورا و اهل‌بیت ، به نحوی تمرین تشکل و سازماندهی بر محور امام حسین علیه‌السلام با محتوایی مقدس و آدابی خالصانه و عاشقانه است .

چند نکته تکمیلی

مقدمه

با همه اهمیتی که برای محبت و دوستی با خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قائلیم، اگر این ایجاد علاقه، به صورت درست و دقیق و آموزشهای صحیح همراه نباشد، چه بسا نوعی غرور، غفلت و افراط پیش آید و نتیجه معکوس دهد. از این رو توجه به چند نکته در این مورد، ضروری است، تا این محبت مقدس اثربخش تر باشد و از آفات مصون بماند.

1. پیوند محبت با عمل

در محبت اهل بیت علیهم السلام و ایجاد آن در دل بچه‌ها، باید از یکسونگری، هم‌پرهیز داشت و هم‌پرهیزشان داد. آمیختن «محبت به» عمل، کار اصلی ماست تا صرف محبت و عشق به اهل بیت علیهم السلام (منهای عمل و تقوا و تبعیت) غرور برای محبان نیابد. اگر جز این باشد، یا محبت، راستین نیست یا آمیخته به عوامل خنثی‌کننده تاثیر عشق و علاقه است.

محبت، در صورت ناب و عمیق بودنش، دوست و دوستدار را هم‌رنگ و همراه می‌سازد. محبت چه به خدا باشد، یا پیامبر، یا امامان یا هر شخص دیگر، اگر واقعی باشد، انسان را از مخالفت و ناراضی ساختن محبوب و کاربرخلاف خواسته و میل و رضای او بازمی‌دارد. اگر در عین ادعای عشق و دوستی، کاری کنیم که دوست را برنجاند، عاشق و دوستدار نیستیم، بلکه یک مدعی هستیم که دلیلی بر اثبات ادعا نداریم.

امام صادق علیه السلام در حدیثی خطاب به مفضل، ضمن دسته‌بندی شیعیان نسبت به محبت اهل بیت و اینکه انگیزه‌های رابطه دوستی با اهل بیت نزد اشخاص، مختلف است، از گروهی نام می‌برد که دوستداران واقعی‌اند:

«... و فرقة احبونا و حفظوا قولنا و اطاعوا امرنا ولم یخالفوا فعلنا، فاولئک منا و نحن منهم» (130).

گروهی ما را دوست دارند، سخن ما را حفظ می‌کنند، فرمان ما را پیروی می‌کنند و با کار ما مخالفت نمی‌کنند. اینان از ما آیند و ما از آنانیم.

امام صادق علیه السلام درباره ادعای محبت خدا فرموده است:

تعصى الاله وانت تظهر حبه هذا محال فى الفعال بدیع

لو كان حبك صادقا لاطعته ان المحب لمن يحب مطيع⁽¹³¹⁾

خدا را نافرمانی می‌کنی در حالی که اظهار محبت او را می‌کنی ، این محال است و در میان کارها پدیده تازه‌ای است .

اگر عشق تو راست باشد او را اطاعت می‌کنی ، چرا که عاشق ، نسبت به محبوب خود ، فرمانبردار است .

اظهار دوستی با خدا باید همراه با تبعیت و اطاعت باشد نه معصیت ، چون حب صادقانه به اطاعت محبانه منجر می‌شود . ادعای دوستی با اهل بیت علیهم‌السلام ولی اهل گناه و آلودگی بودن نوعی تناقض است . باید تفهیم کرد که هر چند که دین ما ، دین حب و محبت است ولی محبتی صادقانه است که به همرنگی و هماهنگی کشیده شود . همچنان که دو نفر وقتی به هم محبت دارند ، به خاطر همین محبت می‌کوشند مثل هم باشند و از رنجاندن و مخالفت دیگری پرهیز کنند تا رشته محبت و دوستی گسسته نشود .

حدیثی از امام رضا علیه‌السلام گویای همین نکته است که نباید به اتکای دوستی اهل بیت علیهم‌السلام ، «عمل صالح را رها کرد و گفت که علی علیه‌السلام داریم چه غم داریم و امثال اینها :

«لاتدعوا العمل الصالح والاجتهاد فى العبادة اتكالا على حب آل محمد ولا تدعوا حب آل محمد والتسليم لامرهم اتكالا على العبادة ، فانه لا يقبل احدهما دون الاخر» .⁽¹³²⁾

نه عمل صالح و تلاش در عبادت را به اتکای محبت اهل بیت علیهم‌السلام رها کنید و نه محبت و دوستی اهل بیت علیهم‌السلام و تسلیم آنان بودن را به اتکای عبادت ، چرا که هیچ کدام بدون دیگری پذیرفته نیست .

آری . . . آمیختن «محبت اهل بیت علیهم السلام ، به «عمل صالح و بندگی .
(133).

عشق به اهل بیت ، باید همراه با عشق به نیکان و نیکی‌ها و کارهای شایسته و
بندگان صالح باشد . این نشانه صدق محبت است . امام سجاد علیه السلام در مناجات
محبین از خداوند ، محبت خدا را ، محبت دوستان خدا را و محبت هر عملی
را که بنده را به قرب خدا می‌رساند ، درخواست می‌کند . (134).

علی علیه السلام فرمود :

«من احبنا فلیعمل بعملنا ولیتجلبب الوریع . (135) .

هر که ما را دوست بدارد ، باید مثل ما عمل کند و پرهیزکاری را همچون جامه
و پوشش (جلباب) خود قرار دهد .

دوستداری و شیعه‌گری ، جز با متابعت عملی و پیروی به اثبات نمی‌رسد و

شیعه یعنی پیرو . از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت است :

«ان شیعتنا من شیعتنا و تبعنا فی اعمالنا» (136) .

یقیناً پیروان ما کسانی‌اند که در کارهایمان از ما متابعت و پیروی می‌کنند .

از امام زمان «عج هم روایت است :

«فلیعمل کل امرء منکم ما یقرب به من محبتنا ولیتجنب ما یدنیه من کراهتنا و

سخطنا . . . » (137) .

هر کدام از شما کاری کند که او را به محبت ما نزدیک و از ناخوشایندی

و خشم ما دور سازد .

پس نوع عمل است که ما را به اهل بیت علیهم السلام نزدیک یا دور می‌سازد

و محبوب یا منفور آنان می‌شویم . محبت هم در دل است ، هم بر زبان

جاری می‌شود ، هم در عمل انسان بروز می‌کند . این که در حدیث است پیامبر

به علی علیه السلام فرمود : «برخی تو را تنها در دل دوست دارند ، بعضی دوستدار

قلبی و زبانی تواند ، برخی هم با دل دوست می‌دارند ، با زبان کمک می‌کنند و باشمیرشان به یاری تو می‌شتابند ، پاداش آنان برابر با پاداش این امت است . «⁽¹³⁸⁾ گویای این است که محبت ، جنبه عملی هم دارد و همان ملاک صدق در محبت است . تاکید ائمه معصومین بر اینکه شیعه ، با عمل شایسته خود ، موجب زینت و آراستگی آنان باشند ، نه مایه شرمندگی و عیب و عار ، اشاره به همین بعد عملی محبت و موالات با خاندان عصمت است . امام صادق علیه السلام فرمود :

«معاشر الشیعه ! کونوا لنا زینا ولا تکونوا علینا سینا» .⁽¹³⁹⁾

ای گروه شیعه ! برای ما زینت باشید ، نه موجب ننگ و عیب .

آنچه که جاذبه می‌آفریند ، عمل و رفتار شیعه است .

2. نشانه‌های محبت

گاهی امر، بر خود انسان هم مشتبه می‌شود و خود را شیعه یا محب‌اهل‌بیت می‌پندارد، در حالی که شعار و ادعایی بیش نیست. برای شناخت محبت اهل‌بیت، باید سراغ نشانه‌های آن رفت. نشانه‌های عشق‌راستین نسبت به اهل‌بیت، اینهاست:

1 - عمل و تقوا

در نکته پیشین، به تفصیل در این باره بحث شد.

2 - عشق به دوستان اهل بیت علیهم‌السلام

اگر شیفته اهل بیتیم، باید دوستان آنان را هم دوست بداریم. محبت‌های طولی و سلسله‌ای، نشانه محبت به محبوب است. اگر کسی را دوست می‌داریم، بطور طبیعی باید از کارها و اشخاصی که مورد محبت اوست نیز خوشمان آید. می‌توان این عشق طولی را چنین ترسیم کرد:

محبت به خدا محبت به رسول خدا محبت به اهل بیت محبت به شیعیان اهل‌بیت

امام علی علیه‌السلام فرموده است:

«من احب الله احب النبی، ومن احب النبی احبنا، و من احبنا احب شیعتنا».

(140)

هرکس خدا را دوست بدارد ، پیامبر را هم دوست می‌دارد . کسی که دوستدار پیامبر باشد ما (اهل بیت) را هم دوست دارد و هر که ما را دوست بدارد ، پیروان ما را هم دوست خواهد داشت .

امام علی علیه السلام فرمود : هرکس خوش دارد که بداند آیا دوستدار ماست یا دشمن ما ، قلب و دل خود را بیازماید (و به دل خود رجوع کند) اگر دوست ما را دوست بدارد ، پس دشمن ما نیست و اگر دوست ما را دشمن بدارد ، پس دوستدار ما نیست :

«من سره ان يعلم امحب لنا ام مبغض فليمتحن قلبه ، فان كان يحب وليا لنا فليس بمبغض لنا و ان كان يبغض ولينا فليس بمحب لنا . . . » ⁽¹⁴¹⁾ .

به فرموده امام صادق علیه السلام : «من تولى محبنا فقد احبنا» . ⁽¹⁴²⁾ هر که با دوست ما دوستی کند ، ما را هم دوست داشته است .

3 - بیزاری از دشمنان

دوستدار اهل بیت ، نمی تواند با دشمنان آنان دوستی داشته باشد . در یک دل دو محبت در عرض هم نمی گنجد . با محبت اهل بیت نیز ، محبت دشمنانشان سازگار نیست . بحث مهم تولی و تبری در همین جامطرح می شود . شیعه و موالی اهل بیت ، بی خط و بی موضع نیست و با مخالفان اهل بیت ، مودت و طرح دوستی نمی ریزد . کفر به طاغوت نیز در کنار ایمان به خدا بلکه جلوتر از آن مطرح است .

کفر و ایمان قرین یکدگرند هر که را کفر نیست ، ایمان نیست
امام باقر علیه السلام ، در ذیل آیه ای که می فرماید : خداوند برای هیچ کس دودل در سینه اش قرار نداده است ⁽¹⁴³⁾ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود :
«لا یجتمع حبنا و حب عدونا فی جوف انسان . . .» ⁽¹⁴⁴⁾ .

محبت ما و محبت دشمنان ما در دل یک انسان جمع نمی شود ، چون خداوند برای انسان دو قلب قرار نداده که با یکی این را دوست بدارد بایکی آن را دشمن بدارد . دوستدار ما باید محبت خود را برای ما خالص سازد ، همچنان که طلا در دل آتش خالص و بی آلایش می شود . پس هر که می خواهد محبت ما را بشناسد دل خود را امتحان کند ، اگر در دل او در کنار محبت ما محبت دشمن ما هم باشد ، از ما نیست ، ما هم از او نیستیم .

در حدیث دیگر ، امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که گفت : فلانی ولایت شما را دارد ولی نسبت به برائت از دشمنانتان سست است ، فرمود :
«هیئات ! کذب من ادعی محبتنا ولم یتبرء من عدونا» ⁽¹⁴⁵⁾ .

آنکه مدعی ولایت و محبت ماست ، ولی از دشمن ما بیزاری نمی جوید ،
دروغ می گوید .

4 - آمادگی برای بلا و رنج

اینکه دوستداران اهل بیت علیهم السلام باید آماده رنجهای و سختیها باشند ، نشان دیگری از این است که محبت و ولایت ، بدون آمادگی برای تحمل سختی لوازم آن ، پذیرفته نیست . به فرموده امام علی علیه السلام :

«من احبنا اهل البيت فليستعد عدة للبلاء» . (146)

هر کس ما اهل بیت را دوست می دارد ، پس وسایل و مقدمات تحمل بلا و سختی را آماده سازد .

راه عشق و محبت ، راه دشوار و پرخطر و بلاخیز است و عاشق صادق هرگز از این رنجهای نمی گریزد ، بلکه به استقبال آن می شتابد و رنج در راه معشوق برایش لذت بخش است . به گفته حافظ :

نازپرود تنعم نبرد راه به دوست عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

باز به گفته خواجه شیراز :

بحری است بحر عشق که هیچس کناره نیست آنجا جز آنکه جان بسپارند ، چاره نیست

نیز ، خون دل خوردن و تحمل کردن ، نشان دیگری از عشق است .
جام می و خون دل هر یک به کسی دادند در دایره قسمت ، اوضاع چنین
باشد

همواره «ولا» با «بلا» و عشق با سختی همراه بوده است : «البلاء للولاء» .

هر که در این بزم مقرب‌تر است جام بلا بیشترش می‌دهند

3. پرهیز از غلو

یکی از آفات راه محبت، غلو و زیاده‌روی در عقیده و اظهار دوستی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام است. خود ائمه هم در زمان خود با پدیده غلو مواجه بودند و با کسانی که نسبت به آنان عقیده خدایی داشتند بشدت برخورد می‌کردند و از آنان برائت می‌جستند. در این زمینه هم حدیث زیاد است، از جمله امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«احذروا علی شبابکم الغلاة لا یفسدونهم ، فان الغلاة شر خلق الله ، یصغرون عظمة الله و یدعون الربوبیة لعباد الله . (147)»

جوانان خود را از غلات برحذر دارید که فاسدشان نکنند، غلات بدترین خلق خداوند، عظمت خدا را کوچک می‌شمارند و برای بندگان خدا مقام ربوبیت ادعا می‌کنند.

افراط در ستایش و رساندن پیامبر و ائمه به مقام الوهیت و خدایی غلو است. محبت نباید سر از غلو درآورد که به هلاکت می‌انجامد. علی علیه‌السلام فرمود:

«هلک فی رجلاں : محب غال و مبغض قال (148)»

درباره من دو گروه به هلاکت افتادند: دوستدار غلوکننده و دشمن کینه‌توز. پیامبر و امامان، پیش از آنکه نبی و امام باشند، «عبد» بودند که پروردگار داشتند. فرموده‌اند که ما را از حد ربوبیت پایین بیاورید آنگاه هر چه می‌خواهید بگویید. امام علی علیه‌السلام فرموده است:

«ایاکم والعلو فینا ، قولوا : انا عبید مربوبون و قولوا فی فضلنا ما شئتم . (149)»

از غلو درباره ما بپرهیزید ، بگویید که ما بندگان هستیم تحت اراده رب ،
و هر چه خواستید در فضیلت ما بگویید .

پدیده غلو در تاریخ اسلام ، موجب گمراهی عده‌ای شده است . این غلو ،
بویژه نسبت به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بیشتر بروز کرده است . آن حضرت در اشاره به
این گمراهی و انحراف فکری می‌فرماید :

«مثلی فی هذه الامة مثل عیسی بن مریم ، احبه قوم فغالوا فی حبه فهلکوا
وابغضه قوم فهلکوا» ⁽¹⁵⁰⁾ .

مثل من در این امت ، همچون عیسی بن مریم است ، گروهی او را
دوست داشتند و در محبت ، غلو و افراط کردند و به هلاک افتادند ، گروهی
هم‌دشمنش شدند و هلاک گشتند .

حب افراطی همیشه دورکننده از حق است . علیعلیه‌السلام در سخنی
خطاب به خوارج نهروان فرمود :

در مورد من دو گروه به هلاکت خواهند افتاد : یکی دوستداران افراطی که
حب آنان را به راه ناحق می‌کشاند ، یکی هم دشمنان افراطی . ⁽¹⁵¹⁾ .

حب افراطی و نسبت دادن مقام و شان الوهیت برای ائمه ، نوعی بدعت و
شرک بود که به وسیله دوستان نادان یا دشمنان عنود ، در تاریخ اسلام پدید آمد
و برای شیعه و ائمه دردسرهایی داشت و هنوز هم برخی از آن اعتقادات و
گرایشها ، دستاویز دشمنان برای حمله به تشیع می‌گردد . دشمنان اهل بیت ،
خود از کمک‌کاران نشر اینگونه افکار و آثار بوده و هستند ، چون از این رهگذر
، می‌توانند چهره شیعه را وارونه نشان دهند . ⁽¹⁵²⁾ .

البته خطر دیگری از سوی دیگر است . در برخی مناطق و محافل هم به بهانه
خوف از خطر غلو ، نقل فضایل و مناقب اهل بیت را که در روایات قطعی آمده

است ترک می‌کنند و هر فضیلتی را که کمی با عقل بشر جور نیاید ، به نام غلو ،
رد می‌کنند که این هم درست نیست و خواسته دشمن است .
مخالفان شیعه ، ما را به غلو نسبت می‌دهند .
ما ضمن آنکه باید از غلو بپرهیزیم و گرفتار انحراف در عقیده نشویم ،
پاسخی هم برای رد اتهامات آنان داشته باشیم و مرزی میان «غلو» و «بیان
فضایل بشناسیم تا بتوانیم شبهات آنان را دفع کنیم .
به هر حال ، باید سطح فکر و ظرفیت نوجوانان و کودکان را در نظر گرفت و
احادیث و فضایل قابل درک و هضم برایشان گفت .
صرف اینکه سخنی در احادیث آمده است ، مجوز نقل آن برای عموم نیست .
گاهی عدم تناسب مطلب با کشش فکری شنوندگان یا خوانندگان ، آنان را
مساله‌دار می‌کند و منکر اصل دین و عقاید می‌شوند .

یک میدان و دو هجوم

از آنجا که ایجاد محبت اهل بیت، کاری فرهنگی و احداث خاکریز دفاعی در برابر «شبیخون فرهنگی است، این نوشته که مقایسه‌ای میان هجوم نظامی و تهاجم فرهنگی است، برای تکمیل این بحث، آورده می‌شود. (153).

نه «مرز»، تنها آبی و خاکی است، نه حمله، تنها زمینی و هوایی!

نه هجوم، فقط نظامی است، نه شکست و ضربه، فقط مادی.

«تهاجم فرهنگی، خطرناکتر از «هجوم نظامی است.

در هجوم نظامی، طمع به خاک است و زمین، در شبیخون فرهنگی طمع به

اخلاق است و دین!

هجوم نظامی با سر و صدا و سرعت است، تهاجم فرهنگی، آهسته و آرام.

آن ترسناک و نفرت آفرین است، این فریبنده و جذاب،.

آن، افراد را به دفاع و مقاومت وامی‌دارد، این به استقبال و

پذیرش می‌فرستد.

کشته آن، «شهید» است و مرده این، پلید!

شهادت، دوست داشتنی است، اما ابتدال، نفرت‌انگیز.

در هجوم نظامی، دشمن اعلام جنگ و دشمنی می‌کند و مهاجم فرهنگی،

اعلام دوستی! ...

در حمله نظامی، صفر اولین گلوله، همه را متوجه خطر می‌سازد، اما

در تهاجم فرهنگی گاهی تا شلیک گلوله آخر دشمن، هنوز عده‌ای شبیخون‌را

باور نمی‌کنند.

آن پیداست ، این پنهان !
در آنجا ، زمین از دست می‌رود ، اینجا شرف و دین .
آنجا ، درگیری با دشمن ، در مرزهاست ، اینجا آسیب از حمله دشمن ،
درون خانه‌هاست .

آنجا ، بمبهای خوشه‌ای می‌ریزند ، اینجا شک و دودلی می‌انگیزند .
آنجا سلاح ، موشک و بمب است ، اینجا ماهواره و امواج تصویری .
در میدان حمله نظامی ، پادگانها ، مقرها و خطوط و خاکریزها
بمباران می‌شود ، در تهاجم فرهنگی مدرسه‌ها مطبوعات ، اندیشه‌ها و عقیده‌ها .
در آن درگیری ، کوه و دشت و دریا میدان برخورد است ، در این مقابله ،
نبرد در عرصه مجلات ، رمانها ، فیلمها و کتابهاست .
آنجا میدان مبارزه محدود است ، اینجا گسترده ، .
آنجا جنگی آشکار است ، اینجا غارتی پنهان ، .
اسیران آن میدان ، «آزاده اند ، و گرفتاران این میدان ، «معتاد» و «آلوده» .
آنجا ، شهادت ، خانواده‌ای را سربلند می‌سازد ، اینجا اعتیاد و ابتذال ،
دودمانی را شرمگین می‌سازد .

پدر یک شهید ، عزیز است ، پدر یک آلوده ، سرافکننده !
در میدان نظامی ، مجروح را به عقب بر می‌گردانند تا مداوا شود ، در صحنه
فرهنگی ، پس از اولین زخم و ترکش ، به خطوط جلوتر انتقال می‌یابد .
تیر و ترکش ، بر سر و دست می‌نشیند ، ولی زهر هوس و ویروس گناه ،
برایمان و اندیشه آسیب می‌رساند .
در هجوم نظامی ، دشمن از مرز آبی و خاکی وارد می‌شود ، در
تهاجم فرهنگی ، از مرز فکری و روحی .

آسیب خورده آن ، انگیزه مبارزه و خصومت پیدا می‌کند و نیش خورده‌این ، خلع سلاح و بی‌انگیزه می‌شود .

تشییع جنازه یک شهید ، شهری را روح حماسه می‌بخشد ، اما آلودگی نسلی به ابتدال ، روح جامعه را افسرده می‌سازد .

هجوم نظامی ، یک ملت را مقاومتر می‌کند ، و هجوم فرهنگی ، سست‌تر می‌سازد .

آنجا فشنگ ، شلیک می‌شود ، اینجا آهنگ ، پخش می‌شود .

آنجا در پی «ماه اند ، اینجا دنبال» ماهواره .

گذرگاههای آن جبهه ، سربالایی است ، و عرصه‌های این میدان ، سرازیری .

آنجا از خود می‌گذرند تا به خدا برسند ، اینجا از خدا می‌گذرند تا به

خود برسند .

قربانیان آن ، شهید راه «معروف اند ، و قربانیان این ، کشته بیراهه منکر» !

بکوشیم تا از مجروحان این جبهه و ترکش‌خوردگان این حمله نباشیم .

اگر هم آسیب دیده‌ایم ، به درمانگاه «توبه برویم و . . . تا دیر نشده ، غده‌گناه

را «جراحی کنیم .

آیا سلامت روح و فکر ، به اندازه «جسم مهم نیست ؟ !

- (1) کلیات سعدی ، چاپ امیرکبیر ، ص 715 .
- (2) امام صادق علیه السلام : «الحب افضل من الخوف (بحار الانوار ، ج 75 ، ص 226) .
- (3) شوری ، آیه 23 .
- (4) پیامبر اسلام : لو ان عبدا جاء يوم القيامة بعمل سبعين نبيا ما قبل الله ذلك منه حتى يلقاه بولایتی و ولایة اهل بیته . (کشف الغمه ، ج 2 ، ص 10) .
- (5) ابیاتی از مثنوی «اهل بیت آفتاب از نویسندہ .
- (6) الغدير ، ج 2 ، ص 303 .
- (7) احقاق الحق ، ج 18 ، ص 498 .
- (8) بحار الانوار ، ج 75 ، ص 348 .
- (9) بشارة المصطفى ، ص 222 .
- (10) ینایع المودة ، ج 1 ، ص 78 .
- (11) بحار الانوار ، ج 67 ، ص 22 .
- (12) همان ، ج 16 ، ص 190 .
- (13) میزان الحکمة ، ج 2 ، ص 215 .
- (14) بحار الانوار ، ج 66 ، ص 238 .
- (15) به احادیث حب و بغض در راه خدا مراجعه کنید (بحار الانوار ، ج 66 ، ص 236 تا 253) .
- (16) از جمله ر . ک : بحار الانوار ، ج 27 ، ص 51 تا 254 .
- (17) بحار الانوار ، ج 22 ، ص 315 .
- (18) غرر الحکم ، حدیث 6169 .
- (19) اهل البيت في الكتاب والسنة ، ص 369 .
- (20) غرر الحکم .
- (21) احتجاج طبرسی ، ج 1 ، ص 198 .
- (22) همان ، ص 197 .
- (23) احقاق الحق ، ج 5 ، ص 42 .
- (24) ثواب الاعمال ، ص 124 .

- (25) احقاق الحق ، ج 18 ، ص 310 .
- (26) امالی طوسی ، ص 229 .
- (27) الکافی ، ج 2 ، ص 496 .
- (28) ثواب الاعمال ، ص 223 .
- (29) من لایحضره الفقیه ، ج 2 ، ص 577 .
- (30) درباره روایات مربوط به زیارت ، از جمله ر . ک : «بحار الانوار» ، ج 97 تا 99 ، «من لایحضره الفقیه ، ج 2 ، «کامل الزیارات ، «عیون اخبار الرضا» .
- (31) وسائل الشیعه ، ج 10 ، «میزان الحکمه ، ج 4 و نیز «چهل حدیث زیارت ، نشر معروف ، از نویسنده .
- (32) بحار الانوار ، ج 71 ، ص 355 .
- (33) بحار الانوار ، ج 101 ، ص 98 .
- (34) صحیفه سجادیه ، دعای 25 .
- (35) بخشهایی از مقاله «حسینیه دل ، از نویسنده .
- (36) وسائل الشیعه ، ج 3 ، ص 411 ، بحار الانوار ، ج 98 ، ص 118 .
- (37) بحار الانوار ، ج 97 ، ص 230 .
- (38) بحار الانوار ، ج 97 ، ص 228 - 230 .
- (39) همان .
- (40) همان ، ج 63 ، ص 448 .
- (41) همان ، ج 101 ، ص 114 .
- (42) وسائل الشیعه ، ج 10 ، ص 410 ، بحار الانوار ، ج 98 ، ص 124 و 136 .
- (43) بحار الانوار ، ج 98 ، ص 123 .
- (44) همان ، ص 121 .
- (45) از جمله در برنامه‌های جنبی «شب شعر عاشورا» که همه ساله در شیراز برگزار می‌شود ، مراسم تربت نوشانی به افراد جلسه است ، شربت زعفران آمیخته به تربت را در کام همه حضار به مقدار یک قاشق یا نیم استکان می‌ریزند ، این برنامه ، نقش عجیبی در ایجاد عشق و علاقه به امام حسین علیه السلام و تغییر حالت روحی افراد دارد .
- (46) سفینه البحار (چاپ جدید) ، ج 2 ، ص 17 .
- (47) مائده : 119 ، توبه : 100 ، مجادله : 22 ، بینه : 8 .

- (48) مائده : 54 .
- (49) مفاتيح الجنان ، ص 350 (زيارت اميرالمؤمنين ، زيارت امين الله) .
- (50) مناقب ابن شهر آشوب ، ج 1 ، ص 85 .
- (51) رجال كشي ، ج 2 ، ص 473 و 381 .
- (52) همان ، ص 685 .
- (53) تفسير عياشي ، ج 2 ، ص 231 .
- (54) همان .
- (55) بحارالانوار ، ج 26 ، ص 124 .
- (56) همان ، ص 146 .
- (57) همان ، ج 23 ، ص 313 .
- (58) مريم ، آيه 58 .
- (59) بحارالانوار ، ج 26 ، ص 224 .
- (60) غاشيه ، آيه 26 .
- (61) بحارالانوار ، ج 7 ، ص 203 .
- (62) همان ، ج 8 ، ص 41 .
- (63) همان .
- (64) همان ، ج 2 ، ص 206 .
- (65) همان ، ج 65 ، ص 43 .
- (66) همان ، ج 9 ، ص 112 .
- (67) ميزان الحكمه ، ج 5 ، ص 233 .
- (68) برای مطالعه متن اين احاديث فراوان مي توانيد از «المعجم المفهرس بحارالانوار ، واژه شيعه ، بهره بگيريد .
- (69) بحارالانوار ، ج 23 ، ص 232 .
- (70) پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله : «اساس الاسلام حبي و حب اهل بيتي ، (كنز العمال ، ج 12 ، ص 105) .
- امام باقر عليه السلام : «حبنا اهل البيت نظام الدين ، (امالي شيخ طوسي ، ص 296) .
- (71) پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله : «من احبنا فقد احب الله و من ابغضنا فقد ابغض الله ، (امالي صدوق ، ص 386) ; در زيارت جامعه كبيره نيز مي خوانيم : من احبكم فقد احب الله .

- (72) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله : «... من احب هولاء فقد احبني و من ابغضهم فقد ابغضني ، تاريخ دمشق ترجمة الامام الحسين ، ص 91) .
- (73) امام باقر علیه السلام : «انی لاعلم ان هذا الحب الذي تحبوننا ليس بشيء صنعتموه ولكن الله صنعه ، (المحاسن ، ج 1 ، ص 246) .
- (74) امام صادق علیه السلام : «حبنا اهل البيت افضل عبادة ، (المحاسن ، ج 1 ، ص 247) .
- (75) امام صادق علیه السلام : «لا تستصغروا مودتنا ، فانها من الباقيات الصالحات ، (مناقب ابن شهر آشوب ، ج 4 ، ص 215) .
- (76) بحار الانوار ، ج 27 ، ص 193 .
- (77) ميزان الحكمه ، ج 2 ، ص 237 .
- (78) بحار الانوار ، ج 17 ، ص 13؛ ميزان الحكمه ، ج 2 ، ص 242 .
- (79) بحار الانوار ، ج 37 ، ص 335 .
- (80) همان ، ج 6 ، ص 187 .
- (81) اين آثار و عناوين برگرفته از كتاب «اهل البيت في الكتاب والسنة محمدی ری شهری است .
- (82) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله : «حبنا اهل البيت يكفر الذنوب و يضاعف الحسنات (ارشاد القلوب ، ص 253) .
- (83) امام صادق علیه السلام : «لا يحبنا عبد حتى يطهر الله قلبه (دعائم الاسلام ، ج 1 ، ص 73) .
- (84) امام صادق علیه السلام : «من احبنا اهل البيت و حقق حبا في قلبه جرت ينابيع الحكمة على لسانه (المحاسن ، ج 1 ، ص 134) .
- (85) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله : «حب اهل بيتي و ذريتي استكمال الدين (امالی صدوق ، ص 161) .
- (86) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله : «شفاعتي لامتي من احب اهل بيتي و هم شيعتي (تاريخ بغداد ، ج 2 ، ص 146) .
- (87) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله : «اكثرکم نورا يوم القيامة اكثرکم حبا لآل محمد» ، (بشارة المصطفى ، ص 100) .
- (88) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله : «من احبنا اهل البيت حشره الله تعالى آمنا يوم القيمة ، (عيون اخبار الرضا ، ج 2 ، ص 220) .
- (89) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله : «اثبتکم قدما على الصراط اشدکم حبا لاهل بيتي ، (فضائل الشيعه ، ص 48) .

- 90) امام صادق علیه السلام : «والله لا يموت عبد يحب الله ورسوله و يتولى الائمة عليهم السلام فتمسه النار» ، (رجال نجاشی ، ج 1 ، ص 138) .
- 91) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله : «من احبنا اهل البيت في الله حشر معنا و ادخلناه معنا الجنة ، (كفاية الاثر ، ص 296) .
- 92) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله : «اعلى درجات الجنة لمن احبنا بقلبه و نصرنا بلسانه و يده ، (المحاسن ، ج 1 ، ص 251) .
- 93) پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله : «من اراد ان ينجو من عذاب القبر فليحب اهل بيتي . . . و من اراد دخول الجنة بغير حساب فليحب اهل بيتي فوالله ما احبهم احد الا ربح الدنيا والآخرة ، (مقتل الحسين خوارزمی ، ج 1 ، ص 59) .
- 94) بحار الانوار ، ج 27 ، ص 78 .
- 95) بحار الانوار ، ج 16 ، ص 356 .
- 96) همان ، ج 23 ، ص 250 (لا تستصغر مودتنا فانها من الباقيات الصالحات) .
- 97) الغدير ، ج 2 ، ص 295 .
- 98) نامش سفیان بن مصعب است . وی از شاعران برجسته شیعه و مورد عنایت اهل بیت بود که عمده شعر او پیرامون مدح و مرثیه اهل بیت است . در زمان امام صادق علیه السلام می زیست . برای آشنایی با چهره او ، از جمله ر . ک : ماهنامه کوثر ، شماره 24 (اسفند 77) و «سفیان بن مصعب از : سید هاشم محمد .
- 99) مستدرک وسائل الشیعه ، ج 2 ، ص 625 .
- 100) درباره او ر . ک : ماهنامه کوثر ، شماره 20 (آبان 77) و «ابوالاسود الدؤلی فی المیزان از : محمد المنصور .
- 101) بحار الانوار ، ج 8 ، ص 52 .
- 102) روزنامه جمهوری اسلامی ، 16 اردی بهشت 78 .
- 103) الغدير ، ج 2 ، ص 361 .
- 104) بحار الانوار ، ج 51 ، ص 148 .
- 105) همان ، ص 137 (طوبی لک ان ادرکنه و یا طوبی من ادرکه) .
- 106) العوالم ، بحرانی ، ج 11 ، ص 136 .
- 107) همان ، ص 552 .
- 108) همان ، نقل از تهذیب ، ج 8 ، ص 112 .

- 109) در زمینه نامها و تاثیر اینگونه نامگذاریها ر. ک: «جرعه‌ای از کوثر»، علی‌رضا سبحانی نسب .
- 110) در این زمینه به «الغدیر» علامه امینی، ج 3، بحث «عید الغدیر فی الاسلام» مراجعه شود، نیز جزوه «عید غدیر در اسلام از نویسنده»، «چهل حدیث غدیر» از: محمود شریفی .
- 111) دیباجه‌ای بر رهبری، ناصرالدین صاحب‌الزمانی، ص 69 .
- 112) همان، ص 218 .
- 113) در زمینه نقش الگو و قهرمان از جمله ر. ک: «الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان محمد علی‌کریمی‌نیا»، «نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت مصطفی‌عباسی مقدم «جوان و «کودک، فلسفی، «انسان کامل، شهید مطهری»، «دیباجه‌ای بر رهبری ناصرالدین صاحب‌الزمانی .
- 114) تحف العقول، ص 416 .
- 115) ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و ماواه و منتهاه (مفاتیح الجنان، ص 549) .
- 116) ثلاثة تورث المحبة: الدين والتواضع والبذل (بحارالانوار، ج 75، ص 229) .
- 117) بحار الانوار، ج 33، ص 260 .
- 118) بحارالانوار، ج 13، ص 351 و ج 67، ص 22 .
- 119) میزان الحکمه، ج 2، ص 229 (به نقل از بحارالانوار، ج 14، ص 38) .
- 120) بحارالانوار، ج 2، ص 31 .
- 121) الکافی، ج 1، ص 193 .
- 122) رحم الله امرءا اجتر مودة الناس الینا، فحدثهم بما یعرفون و ترک ما ینکرون (بحارالانوار، ج 2، ص 68) .
- 123) برای آشنایی با سیره پیامبر از جمله ر. ک: «بحارالانوار»، ج 16؛ «مکارم الاخلاق، طبرسی؛ «سنن النبی، علامه طباطبایی، «همگام با رسول، از نویسنده؛ نسبت‌به ائمه دیگر از جمله منتهی الامال، محدث قمی و کتابهای دیگری که در زندگی ائمه نوشته شده است. دوره‌چهل حدیث‌های سیره معصومین از انتشارات «نشر معروف نیز توصیه می‌شود .
- 124) بحارالانوار، ج 74، ص 166 .
- 125) صائب تبریزی .
- 126) کتاب «بانوی نور» مریم بصیری، داستان تاثیرپذیری یک هنرمند را از ایفای نقش مادر امام‌زمانعلیه‌السلام نوشته است. از اهل هنر نمونه‌های متعددی از این تاثیرپذیری شنیده شده است .

- (127) در این زمینه خاطرات «زیارت که کانون پرورش فکری، از خاطرات بچه‌ها از زیارت مشهد مقدس چاپ کرده است، نمونه موفق است. شبیه آن کتاب «سحرخیزان تنها» در مورد روزه ماه رمضان است. خاطراتی که بچه‌ها از امام امت یا شهیدان نوشته‌اند، یا نامه‌های آنان خطاب به حضرت امام، همین تاثیر را داشته است.
- (128) در این زمینه‌ها از جمله: «حکایتها و هدایتها» فصل اول، محمد جواد صاحبی، «قصه‌های نماز»، «غنچه‌های نور» و «قصه‌هایی از زندگی معصومین، جواد نعیمی، «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب جلد 8، مهدی آذریزدی، «تا دریا» محمد سادات اخوی و... برای جوانان و نوجوانان مفید است.
- (129) اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 2، ص 40.
- (130) تحف العقول، ص 514.
- (131) بحار الانوار، ج 70، ص 15.
- (132) همان، ج 75، ص 347.
- (133) احادیث مربوط به «حب اهل بیت علیهم السلام را از جمله در (میزان الحکمه، ج 2، ص 235) مطالعه کنید. کتاب «اهل البيت في الكتاب والسنة از محمدی ری شهری نیز منبع خوبی است.
- (134) اسلک حبک و حب من یحبک و حب کل عمل یوصلنی الی قربک (مناجات خمس عشره، مناجات نهم، مفاتیح الجنان، ص 125).
- (135) تنبیه الخواطر، ورام، ج 2، ص 176.
- (136) میزان الحکمه، ج 5، ص 232.
- (137) احتجاج طبرسی، ج 2، ص 599.
- (138) بحار الانوار، ج 39، ص 288.
- (139) بحار الانوار، ج 65، ص 151.
- (140) اهل البيت، فی الكتاب و السنة، ص 421.
- (141) همان.
- (142) بحار الانوار، ج 100، ص 124 و ج 35، ص 199.
- (143) ما جعل الله لرجل من قلوبین فی جوفه (احزاب، آیه 4).
- (144) اهل البيت فی الكتاب و السنه، ص 423.
- (145) همان.

- 146) همان ، ص 425 .
- 147) امالی طوسی ، ص 650 .
- 148) نهج البلاغه ، صبحی صالح ، حکمت 117 .
- 149) اهل البيت فى الكتاب والسنة ، ص 531 .
- 150) بحار الانوار ، ج 35 ، ص 315 .
- 151) همان ، ج 33 ، ص 373 .
- 152) اهل تحقيق ، در اين زمينه از جمله به بحث مستوفای «مشكلة الغلاة در کتاب
«الامام الصادق والمذاهب الاربعه ، اسد حيدر ، ج 4 ، ص 369 مراجعه کنند .
- 153) اين مقاله بارها در مطبوعات و نیز به صورت مستقل ، چاپ ، تکثیر و توزيع شده است .

فهرست اهم منابع

- قرآن کریم .
- بحار الانوار ، علامه مجلسی ، مؤسسه الوفاء ، بيروت .
- كشف الغمه ، اربلی ، دارالکتب الاسلامی ، بيروت .
- الغدير ، علامه امینی ، دارالکتب العربی ، بيروت .
- احقاق الحق ، قاضی نورالله تستری ، الاسلاميه ، تهران .
- بشارة المصطفى ، طبری ، مطبعة الحيدريه ، نجف .
- ينابيع المودة ، قندوزی ، مكتبة الحيدريه ، نجف .
- ميزان الحكمة ، محمدی ری شهری ، دفتر تبليغات اسلامي قم .
- الاحتجاج ، طبرسی ، دارالاسوه ، تهران .
- اهل البيت فى الكتاب والسنة ، محمدی ری شهری ، دارالحدیث ، قم .
- غرر الحكم ، آمدی ، دانشگاه تهران .
- ثواب الاعمال ، شيخ صدوق ، مكتبة الصدوق ، تهران .
- الكافي ، محمد بن يعقوب كليني ، دارالکتب الاسلاميه ، تهران .
- امالی ، شيخ طوسی ، مؤسسة البعثة ، قم .
- من لا يحضره الفقيه ، صدوق ، جامعه مدرسين ، قم .
- صحيفه سجاديه ، امام زين العابدين ، دفتر نشر فرهنگ اسلامي ، تهران .

- وسائل الشيعة ، شيخ حر عاملي ، دار احياء التراث العربي ، بيروت .
- سفينة البحار ، محدث قمي ، انتشارات اسوه ، تهران .
- مفاتيح الجنان ، محدث قمي ، دفتر نشر فرهنگ اسلامي ، تهران .
- مستدرک الوسائل ، ميرزا حسين نوري ، مؤسسة آل البيت ، قم .
- العوالم ، بحراني ، مؤسسة الامام المهدي ، قم .
- تحف العقول ، ابن شعبه حراني ، مؤسسة النشر الاسلامي ، قم .
- نهج البلاغه ، سيد رضي ، صبحي صالح ، بيروت .

فهرست مطالب

2	پیش گفتار
5	جایگاه محبت در دین
10	حقوق اهل بیت علیه السلام و وظایف ما
11	1 - مودت و محبت
12	2 - تمسک و چنگ زدن به آستان آنان
12	3 - ولایت و پذیرش رهبری آنان
13	4 - مقدم داشتن آنان بر دیگران
13	5 - اقتدا به آنان در امور دین و دنیا
14	6 - اکرام و احترام نسبت به آنان
14	7 - ادای خمس اموال و درآمدها
14	8 - نیکی کردن و پیوند داشتن با آنان و ذریه ایشان
15	9 - صلوات و درود فرستادن بر آنان
15	10 - یاد کردن آنان و فضایلشان
16	11 - ذکر مصائب و مظلومیت آنان
16	12 - رفتن به زیارت قبور مطهرشان
18	راههای ایجاد محبت
19	1 - دوران پیش از کودکی
23	2 - پیوند با آب فرات و خاک کربلا
26	3 - استفاده از علاقه به محبوبیت
28	4 - توجه به عنایت اهل بیت به شیعه
31	9 - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود :

34	5- بیان فضیلت حب آل پیامبر صلی الله علیه وآله
36	6- طرح نیازمندی و بهره‌مندی از این محبت
39	7- ارزش جلوه دادن محبت اهل بیت علیهم السلام
44	8- تعظیم و تکریم و تعریف
50	9- برپایی مراسم و تعظیم شعائر
52	10- استفاده از حس کمالجویی
56	11- معرفی ولی نعمتان
59	12- ذکر فضایل و فرهنگ و تعالیم اهل بیت علیهم السلام
61	فضایل اهل بیت علیهم السلام در دو محور قابل طرح است :
62	13- گره زدن خوشیهای زندگی به حیات ائمه علیهم السلام
64	14- پرهیز از عوامل محبت‌زدا
66	15- ایجاد فضای روحی و معنوی
70	16- معرفی کتاب و نگارش مقاله و شعر
71	17- قصه‌های دلدادگان
73	18- تشکلهای هیئتی
75	چند نکته تکمیلی
75	مقدمه
76	1 . پیوند محبت با عمل
80	2 . نشانه‌های محبت
82	3 - بیزاری از دشمنان
84	4 - آمادگی برای بلا و رنج
85	3 . پرهیز از غلو
88	یک میدان و دو هجوم
100	فهرست مطالب

